

Wouter van GINNEKEN and Rolph van der HOEVEN
 Industrialisation, employment and
 earnings (1950-87):
 An international survey
 International Labour Review, Vol. 128, 1989,
 No. 5, pp. 571-590

صنعتی شدن، اشتغال و درآمد‌ها، ۱۹۵-۱۹۸۷:

یک بررسی بین‌المللی

مترجم: احمد خزاعی

از نظر تاریخی، افزایش سهم صنایع در کل محصول ناخالص داخلی و اشتغال با افزایش یافتن درآمد سرانه، و متناظر با آن افت سهم کشاورزی، مستندترین واقعیتهای مربوط به توسعه‌اند. (۱) به هر تقدیر، چنین می‌نماید که این فرایند تغییر ساختاری، بخصوص در دهه ۱۹۸۰ و بویژه در جنوب‌صحرای آفریقا و آمریکای لاتین گنبد شده است. (۲) این هردو قاره از رکود اقتصادی و سیاستهای ایجاد ثبات که در دهه ۱۹۸۰ به اجرا درآمده‌اند، شدیداً آسیب دیده‌اند. مؤلفان مختلف (۳) اظهار نظر کرده‌اند که از آغاز دهه ۱۹۸۰ صنعت‌زدایی وقوع یافته است، اما تاکنون مطالعات اندکی در دست است که این روند را به صورتی مستند بررسی کرده باشد.

در گذشته، راهی واحد برای صنعتی شدن در میان نبوده است و تاریخ نشان می‌دهد که عوامل بسیاری به فرایند صنعتی شدن شکل بخشیده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از: وسعت کشور و میزان برخورداری آن از منابع در آغاز فرایند صنعتی شدن؛ سیاست و مشی کشور در مورد تجارت خارجی و داخلی؛ سطح آموزش و پرورش؛ زیربنای حمل و نقل و ارتباطات؛ و زمین‌ها و سوابق کشور در مورد نهادها و اقتصاد کلان. (۴) نقش دولت در تأثیرگذاری بر آهنگ و مقدار نفوذ و دامنه اثرات صنعتی شدن در مرکز فرایند صنعتی شدن قرار داشته است.

صنعت را غالباً به عنوان بخشی که شامل چهار قسمت است تعریف می‌کنند: معدن، صنایع کارخانه‌ای، ساختمان و تسهیلات عمومی (برق، آب، گاز). اما در این مقاله ما به مهمترین قسمت، یعنی بخش صنایع کارخانه‌ای خواهیم پرداخت. یکی از ما دو تن، در مقاله‌ای که قبلاً چاپ شده‌ نشان داده است (۵) که تولید و اشتغال در معدن عمدتاً به در دسترس بودن منابع طبیعی و به اوضاع بازار جهانی بستگی دارد. اشتغال در تسهیلات عمومی معمولاً در برگیرنده بخشی کوچک - اما ثابت - از کل اشتغال است. در بخش ساختمان، تولید و اشتغال به پیروی از چرخه تجاری نوسان می‌کنند، و عموماً به شرایط و اوضاع اقتصادی داخلی بستگی دارند. از سوی دیگر، اشتغال و تولید در صنایع کارخانه‌ای به اوضاع خارجی از قبیل تجارت و تکنولوژی بین‌المللی، و به شرایط و اوضاع داخلی از قبیل وسعت بازار داخلی، در دسترس بودن نیروی کار آموزش دیده و زیربنای خوب وابسته است.

* اعداد داخل کمانکها در متن این مقاله به یادداشتهای آخر مقاله اشاره دارد.

گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۱۰۴، شهریور ۱۳۶۹

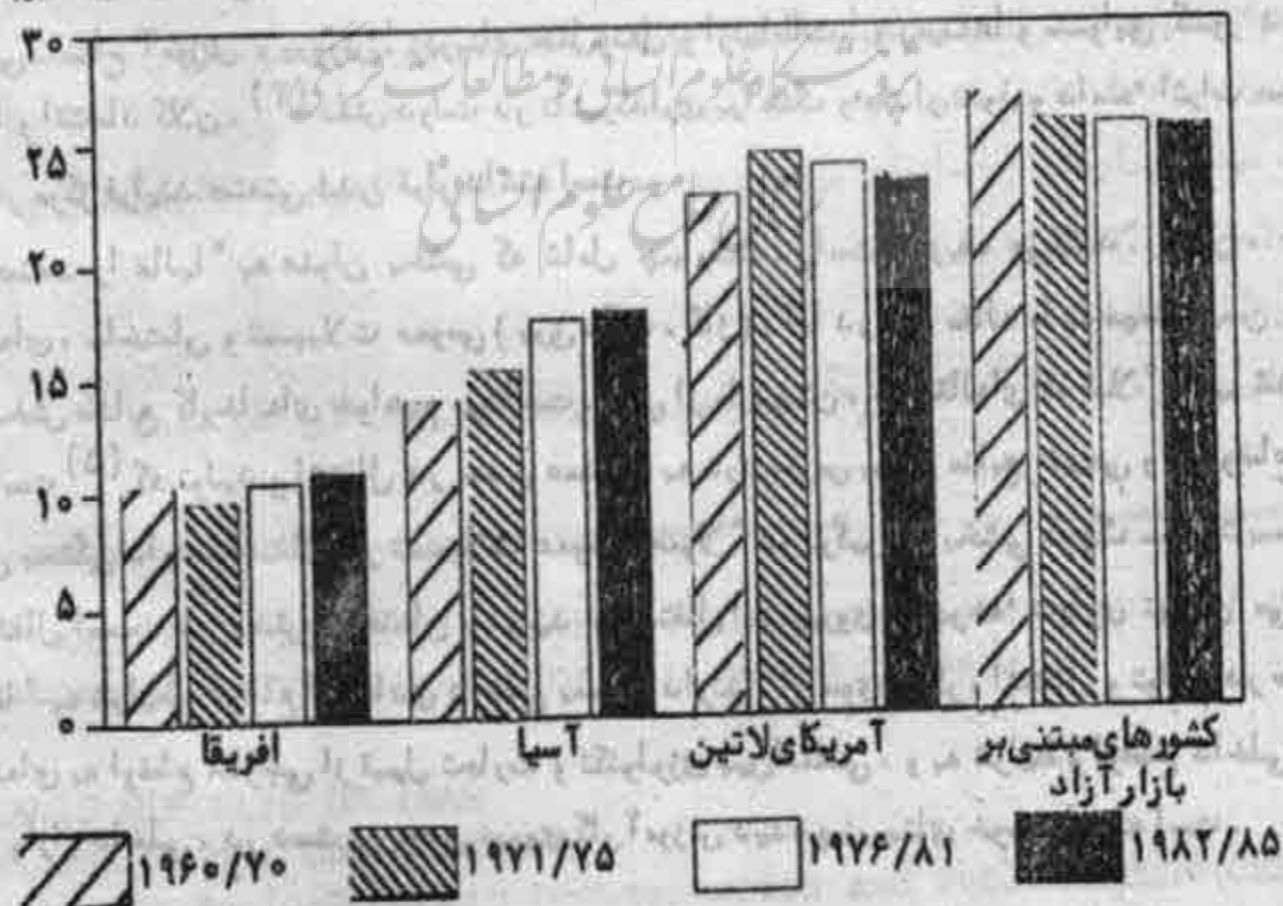
این مقاله به پنج بخش تقسیم شده است. در دو بخش اول مقاله، به ترتیب، سهم صنایع در تولید و اشتغال بررسی می‌شود. این دو شاخص برای تعیین و تبیین دامنه و میزان صنعتی شدن به کار می‌روند. بخش سوم مقاله به دو جنبه از بهره‌وری می‌پردازد: سهم صنایع را در اشتغال و تولید مقایسه می‌کند و می‌کوشد که رابطه میان تحولات تولید و اشتغال را مشخص کند. در چهارمین بخش این مقاله، تأثیر جرح و تعدیلهای انجام شده در دهه ۱۹۸۰ بر اشتغال و درآمدها تجزیه و تحلیل می‌شود. بخش پنجم دربرگیرنده برخی نتیجه‌گیریهاست.

۱. صنعتی شدن و توسعه اقتصادی

سهم صنایع کارخانه‌ای در محصول ناخالص داخلی مقیاس مهمی در مورد تحول ساختاری حاصل از صنعتی شدن است. (۶) در این مقاله، میانگین سهم مناطق در طی ۲۵ سال گذشته بررسی خواهد شد - گرچه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان مناطق یا گروه‌های مختلف کشورها می‌تواند وجود داشته باشد.

آسیا تنها قاره در حال توسعه‌ای است که سهم صنایع کارخانه‌ای در محصول ناخالص داخلی از آغاز دهه ۱۹۶۰ مدام بالا رفته است. در واقع، سهم مزبور از ۱۴ درصد در دهه ۱۹۶۰ به حدود ۱۸ درصد در طی نخستین نیمه دهه ۱۹۸۰ افزایش یافته است (شکل ۱). در جنوب صحرای آفریقا، در تمام این دوره، سهم صنایع کارخانه‌ای در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است. در آغاز دهه ۱۹۷۰، این سهم در آمریکای لاتین از ۲۳ درصد به تقریباً ۲۵ درصد افزایش یافته، اما در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۲۳ درصد افت کرده است. سهم صنایع کارخانه‌ای در کشورهای مبتنی بر بازار آزاد به تدریج از ۲۷ درصد در طی دهه ۱۹۶۰ به حدود ۲۵ درصد در طی نخستین نیمه دهه ۱۹۸۰ تنزل یافته است.

شکل ۱. سهم صنایع کارخانه‌ای در محصول ناخالص داخلی ۱۹۶۰ - ۱۹۸۵



سهم‌گازنده یا راکد صنایع کارخانه‌ای در جنوب صحرای آفریقا و آمریکای لاتین عمدتاً " منعکس کننده" رشد اقتصادی کمتری است که از سیاستهای ایجاد ثبات به منظور کاهش کسری بودجه دولت و تراز پرداختها ناعی شده است. برای انجام سریع این کار (کاهش کسری بودجه)، واردات خواه به طور غیرمستقیم از طریق اقدامات تورم‌زدا یا به طور مستقیم از طریق کاهش آن، تقلیل داده می‌شود که خود غالباً " بیش از هر بخشی بر صنعت تأثیر می‌گذارد، چرا که بسیاری از محصولات واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای و وسایل بدکی وارد می‌شوند. (۷) چنین کاهشهایی در واردات، بسته به توانایی کشور در انتقال به محصولات و فنون تولیدی دیگر، غالباً " منجر به فرایند صنعت‌زدایی می‌شود.

سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید و توسعه اقتصادی در حالی که در کشورهای صنعتی رکود یا افت سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید را می‌توان به انتقال به جامعهای در مرحله مابعد صنعتی نسبت داد، چنین چیزی در مورد آمریکای لاتین و بویژه آفریقا مصداق ندارد. از همین رو، رفتار کثش سهم صنایع کارخانه‌ای در محصول ناخالص داخلی را از لحاظ محصول ناخالص داخلی سرانه در دوره‌های زمانی مختلف مورد توجه قرار داده‌ایم. از آنجا که وسعت کشور در تعیین سهم صنایع کارخانه‌ای در کل ارزش افزوده نقش مهمی دارد (۸)، اندازه جمعیت را به عنوان متغیر تبیین‌کننده‌ای به معادله افزوده‌ایم. مشخصات معادله (۹) از قرار زیر است:

$$\log vas = a + b \log gdppop + c \log pop$$

که در آن:

vas = سهم صنایع کارخانه‌ای در کل ارزش افزوده،

$gdppop$ = محصول ناخالص داخلی سرانه به دلار ایالات متحده به قیمت ثابت،

pop = اندازه جمعیت.

جدول ۱ نشان می‌دهد که کثش محصول ناخالص داخلی سرانه در دوره ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در تمام گروههای کشورها بالاتر از دیگر دوره‌ها بوده است. اما، کثش اندازه جمعیت در طی دوره‌های مختلف بسیار کمتر از کثش محصول ناخالص داخلی سرانه تغییر کرده است. تفاوت‌های منطقه‌ای کثشها تقریباً " چشمگیر است.

در آمریکای لاتین، رابطه معنی‌دار و قابل توجهی میان سهم صنایع کارخانه‌ای و محصول ناخالص داخلی سرانه وجود ندارد. به عبارت دیگر، به استثنای دهه ۱۹۶۰، سهم صنایع کارخانه‌ای چندان با رشد اقتصادی رشد نکرده است. در نتیجه، در دهه ۱۹۷۰ ممکن است سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید در آمریکای لاتین به اوج خود رسیده باشد.

در آسیا، کثش مزبور در مورد محصول ناخالص داخلی سرانه مثبت و قابل ملاحظه بوده، اما در طی زمان کاهش یافته است و از ۰/۲۷ در دهه ۱۹۶۰ به ۰/۳۴ در اوایل و اواخر دهه ۱۹۷۰ تنزل یافته است و سرانجام در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۰/۳۰ افت کرده است. از آنجا که رشد سرانه در آسیا مثبت بوده، و کثشها به نحو قابل ملاحظه‌ای بالاتر از دیگر کشورها هستند، تولید صنایع کارخانه‌ای و سهم آن در محصول ناخالص داخلی همچنان در حال افزایش است. اما در مقایسه با کثشها در آمریکای لاتین چنین می‌نماید که کثشهای آسیا هم‌اینک در حال افت به سطوح نسبتاً " پایین محصول ناخالص داخلی سرانه‌اند.

جدول ۱. کثرت سهم صنایع کارخانهای در محصول ناخالص داخلی باتوجه به محصول ناخالص داخلی سرانه (gdppop) و اندازه جمعیت (pop) ۱۹۸۵-۱۹۶۰

۱۹۸۵-۱۹۸۲		۱۹۸۱-۱۹۷۶		۱۹۷۵-۱۹۷۱		۱۹۷۰-۱۹۶۰		منطقه / گروه کشورها
pop	gdppop	pop	gdppop	pop	gdppop	pop	gdppop	
۰/۰۸	۱/۱۵	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۱۵	۰/۲۴	جنوب صحرای آفریقا
(۲/۶۵)	(۲/۸۹)	(۲/۱۹)	(۳/۶۷)	(۲/۸۴)	(۱/۸۷)	(۲/۸۷)	(۱/۲۷)	
۰/۲۰	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۳۴	۰/۲۱	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۴۷	آسیا ^۱
(۸/۷۸)	(۷/۲۸)	(۱۲/۲۵)	(۱۱/۲۸)	(۱۰/۳۷)	(۱۰/۰۳)	(۷/۰۸)	(۱۰/۲۵)	
۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۰۸	آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
(۱۳/۰۳)	(۰/۹۵)	(۱۹/۲۰)	(۰/۳۹)	(۱۵/۷۷)	(۰/۱۳)	(۱۶/۳۱)	(۳/۷۷)	
۰/۰۲	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۴	کشورهای مبتنی بر بازار آزاد
(۱/۷۸)	(-۱/۲۸)	(۲/۲۶)	(-۲/۰۱)	(۱/۷۹)	(-۰/۲۵)	(۱/۱۲)	(۷/۷۳)	
n=۱۲۴	R ² =۰/۰۸	n=۲۸۸	R ² =۰/۰۸	n=۲۴۰	R ² =۰/۰۹	n=۴۹۴	R ² =۰/۲۰	جنوب صحرای آفریقا
n=۷۸	R ² =۰/۵۶	n=۱۵۶	R ² =۰/۵۷	n=۱۲۰	R ² =۰/۵۲	n=۱۹۶	R ² =۰/۲۵	آسیا ^۱
n=۱۰۸	R ² =۰/۶۲	n=۲۱۶	R ² =۰/۶۳	n=۱۸۰	R ² =۰/۵۹	n=۲۶۶	R ² =۰/۵۰	آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
n=۷۸	R ² =۰/۰۷	n=۱۵۶	R ² =۰/۰۶	n=۱۲۰	R ² =۰/۰۲	n=۲۷۶	R ² =۰/۱۹	کشورهای مبتنی بر بازار آزاد

۱. به استثنای کشورهای خاورمیانه اعداد داخل کمانها مقدار "r" است. مأخذ: یونیدو، آرشيو اطلاعاتی

کثرت در مورد محصول ناخالص داخلی سرانه در جنوب صحرای آفریقا همچنان اندک است. ارقام دوره ۱۹۷۵-۱۹۷۱ چشمگیر نیست و در مورد دوره‌های ۱۹۸۱-۱۹۷۶ و ۱۹۸۵-۱۹۸۲ بسیار اندک، یعنی در حدود ۰/۱۵ است. این مقدار اندک و رشد پایین سرانه در آفریقا در طی ۱۰ سال توضیح دهنده علت افزایش ناچیز ارزش افزوده صنایع است. همان طور که از تذکرات قبلی مان در باره فرایند مداوم صنعت زدایی می‌توان انتظار داشت، کثرت در مورد کشورهای مبتنی بر بازار آزاد از ۱۹۷۵-۱۹۷۱ به بعد منفی است (گرچه مقدار آن قابل ملاحظه نیست).

۲. صنعتی شدن و اشتغال

همان طور که قبلاً "خاطر نشان شد، صنعتی شدن بر حسب تولید و اشتغال اندازه‌گیری می‌شود. بدین ترتیب، در این بخش به بررسی تحولات سطوح اشتغال در صنایع کارخانهای و سهم صنایع در کل اشتغال خواهیم پرداخت. ما توانسته‌ایم روندهای سطوح اشتغال را از آغاز دهه ۱۹۵۰ به طور مستند بررسی کرده، و نیز روندهای سهم صنایع کارخانهای را در دهه ۱۹۶۰ مورد مطالعه قرار دهیم.

آمارهای اشتغال در این مقاله - تا حد امکان - کارگران شاغل در بخش رسمی و غیررسمی را در برمی‌گیرند. چنین آمارهایی در کشورهای بسیاری که اقدام به بررسی‌هایی در مورد نیروی کار با خانوار می‌کنند، به طور منظم گردآوری می‌شود. برخی از کشورها برآوردهایی نیز در مورد اشتغال منتشر می‌کنند که معمولاً مبتنی بر این بررسی‌ها هستند. کشورهای که در آنها آمارهای موجود تنها چندسال را فرامی‌گیرند یا شامل

اشتغال در صنعت است تا صنایع کارخانه‌ای، از این تحلیل حذف شده‌اند. به علاوه، در مورد برخی سالها آمارهایی که در بردارنده درصد بالایی از کارگران طبقه‌بندی نشده بوده‌اند، حذف شده‌اند. هر جا که آمارهای مربوط به کل اشتغال در دسترس نبوده است، از آمارهای مربوط به شاغلان مزد و حقوق‌بگیر استفاده کرده‌ایم. چهار منبع اصلی آمار در باره شاغلان مزد و مزدبگیر وجود دارد: بررسیهای مربوط به نیروی کار یا خانوار، پرونده‌ها و سوابق تأمین اجتماعی، بررسی مؤسسات و برآوردهای رسمی.

شمار شاغلان یعنی مزد و حقوق‌بگیران، که از طریق بررسیهای مربوط به نیروی کار یا خانوار اندازه‌گیری شده است، در اصل شامل همه شاغلان، چه در بخش رسمی و چه در بخش غیررسمی، است. این موضوع در مورد برآوردهای رسمی نیروی کار نیز صادق است، بویژه برآوردهای انجام شده توسط کشورهای دارای نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد. شاغلانی که بررسیهای مربوط به مؤسسات و کارگاهها (محل کار) در برگیرنده آنهاست معمولاً "محدود به بخش نوین‌اند و غالباً" نیز محدود به مؤسساتی با بیش از تعداد معینی کارکن می‌باشند. محاسبه پرمبنای پرونده‌های تأمین اجتماعی معمولاً "محدودترین اندازه‌گیری است چرا که حتی در بخش نوین تمام شاغلان زیر پوشش طرحهای تأمین اجتماعی نیستند. به هر حال، در کشورهای صنعتی میزان فراگیری پرونده‌ها و سوابق تأمین اجتماعی دست‌کم به جامعیت فراگیر بودن بررسیهای مربوط به مؤسسات و کارگاههاست.

ما، به منظور اینکه اندازه نمونه کشورها را در حدی قابل اجرا نگه داریم، اکثر کشورهای بسیار کوچک را (که دارای جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر بودند) و غالب کشورهای در حال توسعه‌ای را که داده‌های مربوط به خود را تنها از طریق پرونده‌ها و سوابق تأمین اجتماعی فراهم می‌آورند، حذف کرده‌ایم.

روندهای درازمدت اشتغال

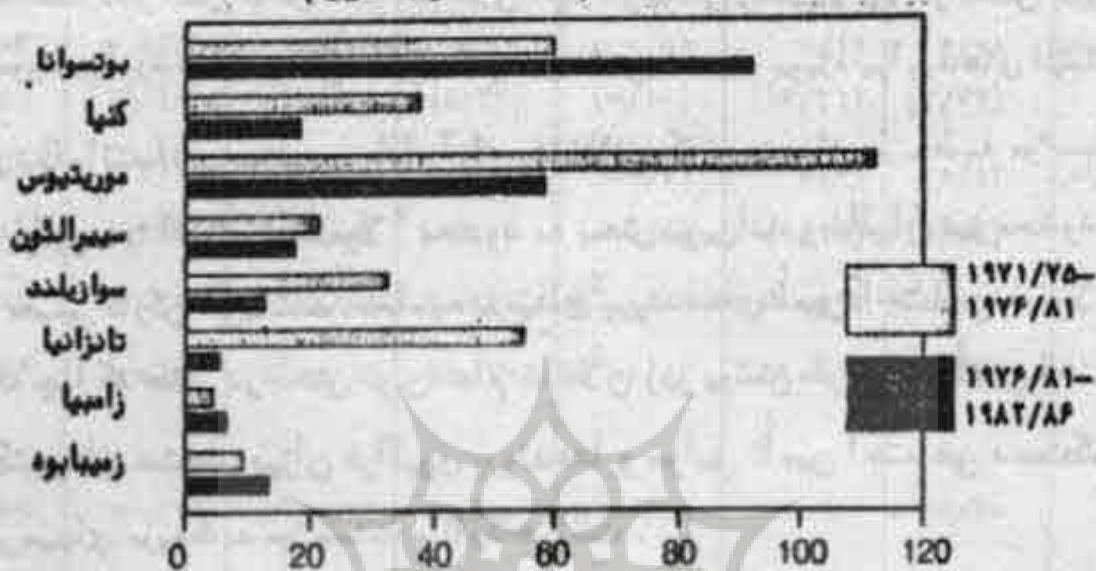
کتاب سال آمارهای نیروی کار دفتر بین‌المللی کار شاخصهایی در مورد شاغلان مزدبگیر در دسترس می‌گذارد: یک سری در مورد دهه ۱۹۵۰ (۱۹۵۳=۱۰۰) و یک سری در مورد دهه ۱۹۶۰ (۱۹۶۳=۱۰۰). این سریها نشان می‌دهند که در طی دهه ۱۹۵۰ شمار مزدبگیران شاغل در صنایع کارخانه‌ای در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد مبتنی بر برنامه سرعت افزایش یافته است، اما این افزایش در کشورهای دارای اقتصاد مبتنی بر بازار بسیار ناچیز بوده است. شمار این شاغلان در معدودی از کشورهای در حال توسعه که آمارهایی در مورد آنها در دست است، افزایش یافته است، اما بسیار کندتر از دهه ۱۹۶۰، که برآستی برای اشتغال صنعتی دهه‌ای طلایی بود. در تمام بخشهای جهان، سطح اشتغال مزدبگیران افزایش یافته است. در برخی از کشورهای در حال توسعه، از قبیل جمهوری کره، پاناما و تانزانیا، اشتغال مزدبگیران در صنایع کارخانه‌ای به بیش از دو برابر، و در بسیاری از دیگر کشورها، از قبیل بلغارستان، اسرائیل، ژاپن، کنیا، پورتوریکو، رومانی، ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی، به بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. اشتغال صنعتی در کشورهای مبتنی بر بازار آزاد نیز افزایش یافته است، اما این افزایش بیش از ۲۰ درصد نبوده است (بجز ژاپن که افزایش آن متجاوز از ۴۰ درصد می‌باشد).

سالهای بین ۱۹۷۱ و ۱۹۸۶ را به سه دوره تقسیم کرده‌ایم ۱۹۷۱-۱۹۷۶، ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۱-۱۹۸۶. نخستین دوره به مثابه پلای میان دوره طلایی دهه ۱۹۶۰ و رکود جهانی اوایل دهه

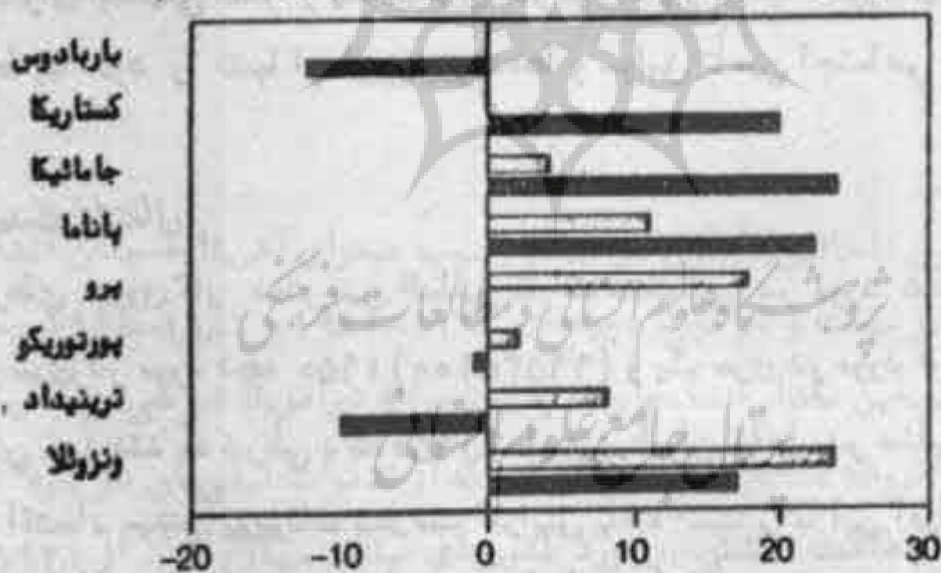
۱۹۷۵ بوده، و مشخصاتی از هر دو دوره را دارد. دومین دوره میانبرده‌ای بوده است میان دورکود جهانی؛ در حالی که سومین دوره عموماً "متشکل از کند شدن قابل ملاحظه یا کاهش قابل توجه اشتغال در صنایع کارخانه‌ای است (نگاه کنید به: شکل ۲).

شکل ۲. نسبت درصد تغییرات در ساختار اشتغال ۱۹۷۱-۱۹۸۶

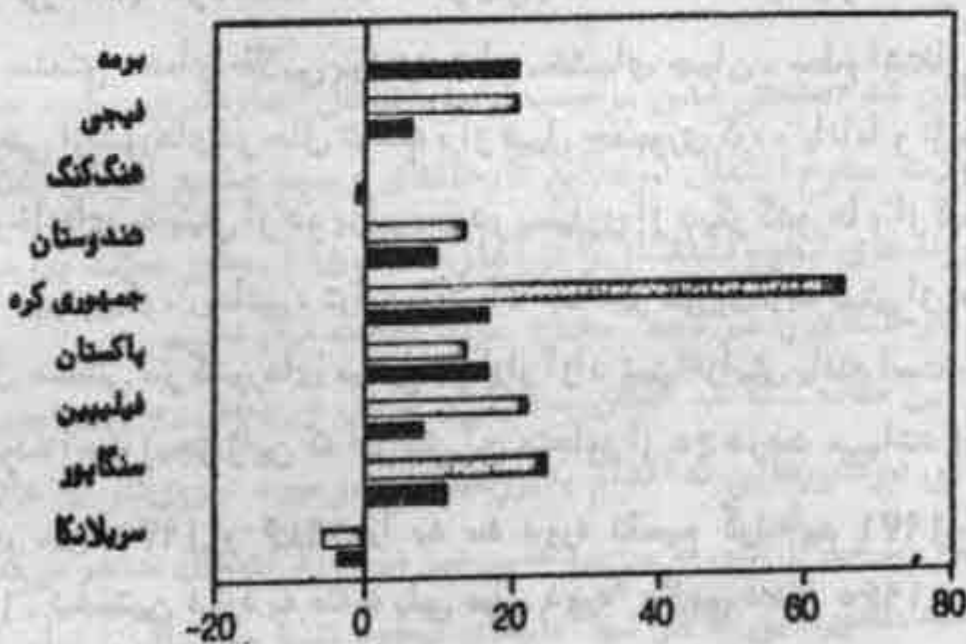
کشورهای در حال توسعه
جنوب صحرای آفریقا (اشتغال مزدبگیری)



آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب (کل اشتغال)

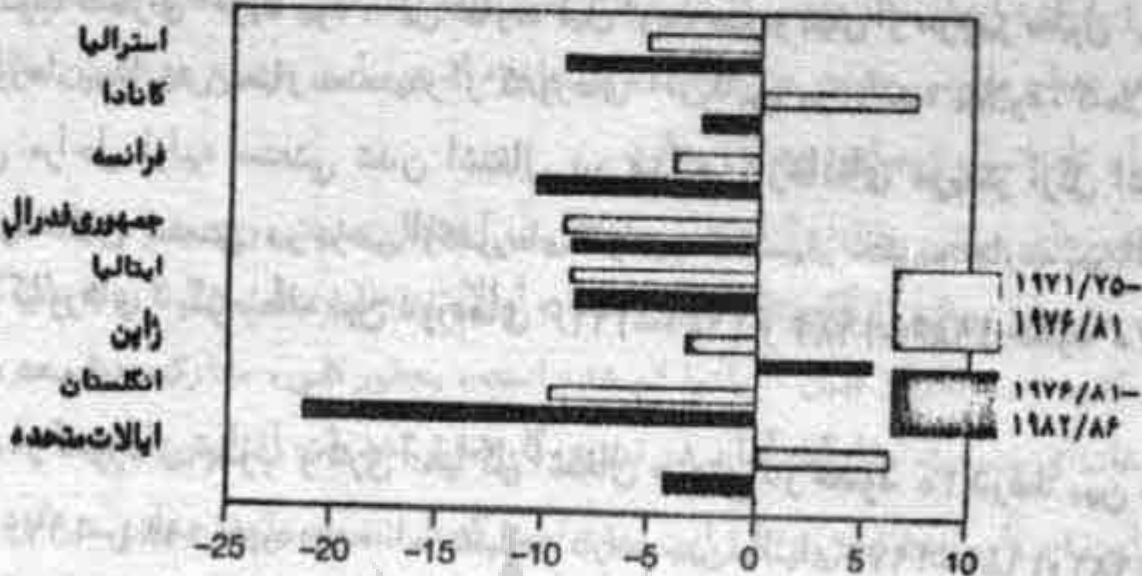


آسیا (کل اشتغال)

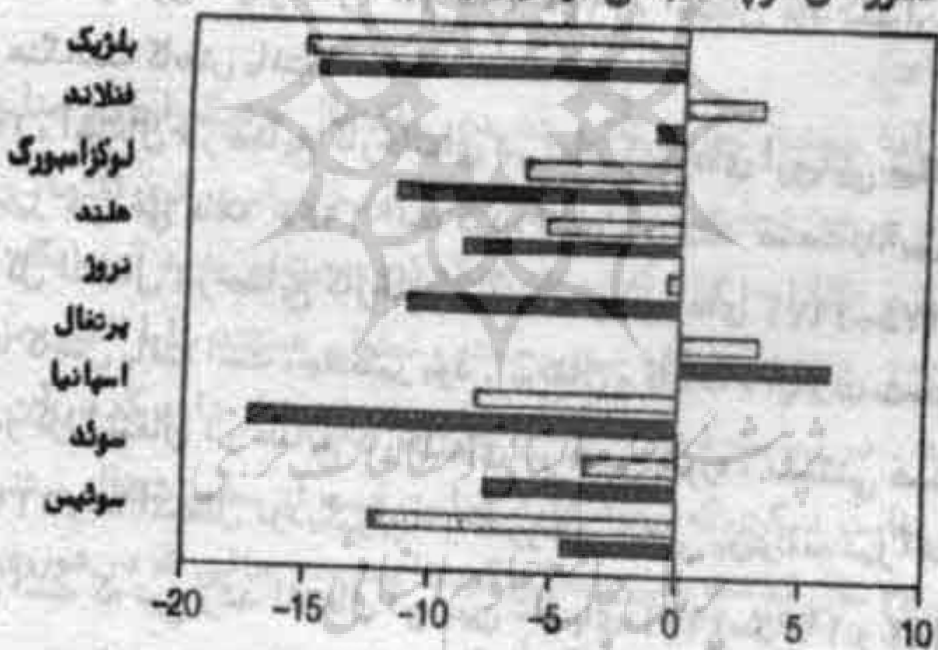


کتابخانه
احمد کمال

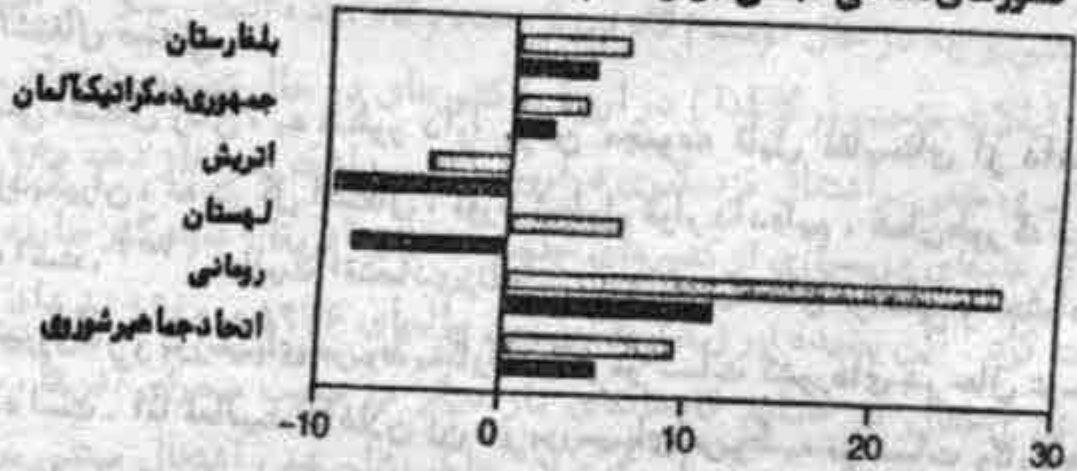
کشورهای صنعتی (کل اشتغال)



کشورهای کوچک مبتنی بر بازار آزاد (کل اشتغال)



کشورهای صنعتی مبتنی بر برنامه (اشتغال مزدبگیری)



اشتغال مزدبگیران در صنایع کارخانه‌ای در جنوب صحرای آفریقا همچنان به رشد سریع خود در دهه ۱۹۷۰ ادامه داد، در موریسیوس به بیش از دو برابر افزایش یافت و در تعداد زیادی از دیگر کشورها تا بیش از ۴۰ درصد بالا رفت. نرخ رشد مزبور در طی دهه ۱۹۸۰ به نحو قابل ملاحظه‌ای در تمام کشور به غیر از بوتسوانا، زامبیا و زیمبابوه کاهش یافت.

در طی دهه ۱۹۷۰، رشد کل اشتغال در صنایع کارخانه‌ای در آمریکای لاتین کندتر از رشد اشتغال مزدبگیران در جنوب صحرای آفریقا بود. این تفاوت قبل از هرچیز و بیش از هرچیز معلول این واقعیت است که این کشورها پیشاپیش بسیار صنعتی‌تر از کشورهای آفریقایی بوده‌اند. به علاوه، کاملاً "احتمال دارد که در طی مراحل اولیه صنعتی شدن اشتغال در صنایع کارخانه‌ای سریعتر از کل اشتغال رشد یابد. اگرچه شمار شاغلان صنعتی در برخی از کشورهای کاراقیب که بسیار متکی به تجارت بین‌المللی‌اند، کاهش یافته، در کشورهای دیگر منطقه بین دوره‌های ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ حدود ۲۰ درصد بر شاغلان افزوده شده است.

در بسیاری از کشورهای جنوب و شرق آسیا کل اشتغال صنعتی در حدود ۲۰ درصد بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ و ۱۹۷۶-۱۹۸۱ افزوده شده، اما تنها ۱۰ درصد بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ افزایش یافت. جمهوری کره استثنایی است بر این الگو، چرا که رشد اشتغال در آن بویژه در دهه ۱۹۷۰ بسیار زیاد بوده است، از سوی دیگر، از آغاز دهه ۱۹۷۰، اشتغال مزدبگیران در صنایع هم در سلاویانکا و هم در هنگ‌کنگ کاهش یافته است.

در دهه ۱۹۷۰، اشتغال در صنایع کارخانه‌ای در تمام کشورهای اروپایی مبتنی بر بازار آزاد، پس از یک نرخ رشد ناچیز در طی دهه ۱۹۶۰ افت کرده است. فرایند صنعت‌زدایی بویژه در انگلستان، بلژیک و اسپانیا که کل اشتغال در صنایع کارخانه‌ای آنها در دوره‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۵ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ بین ۲۴ و ۲۶ درصد کاهش یافته است، چشمگیر بود. پرتغال، کانادا، ایالات متحده و ژاپن با بیش از ۱۰ درصد افزایش در کل اشتغال در صنایع کارخانه‌ای در همین دوره، مستثنی هستند.

در دهه ۱۹۷۰، رشد اشتغال مزدبگیران در کشورهای مبتنی بر برنامه نیز آغاز به کند شدن کرد. رومانی تنها کشوری است که نرخ رشد اشتغال آن بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ بالای ۴۰ درصد بوده است. در دو کشور لهستان و مجارستان، کل اشتغال در صنایع کارخانه‌ای به ترتیب ۲/۸ و ۱۳/۵ درصد در طی همان دوره کاهش یافت.

زنان در اشتغال صنعتی

برای بررسی اشتغال زنان، به منظور دارا بودن مجموعه قابل مقایسه‌ای از داده‌ها، سهم آنها را در اشتغال مزدبگیران، نه در کل اشتغال، مورد تحلیل قرار داده‌ایم. همان‌طور که در جای دیگر توضیح داده شده است، (۱۰) فعالیت اقتصادی زنان - بسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آنان - بررسی‌های مربوط به نیروی کار و بررسی‌های مربوط به کارگاه‌ها و مؤسسات کشورهای در حال توسعه، به‌نحو نابرابری منعکس شده است. اما فعالیت شاغلان زن در بررسی‌های مربوط به مؤسسات و کارگاه‌ها به نحو دقیقتری اندازه‌گیری شده است و از همین رو سهم زنان که براساس این منابع محاسبه شده است، در میان کشورها بیشتر قابل مقایسه است.

در بسیاری از کشورهایی که داده‌هایی در مورد آنها در دست است، سهم زنان در اشتغال مبتنی

بردستمزد در صنایع کارخانه‌ای در طی ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است. چشمگیرترین افزایش در موریتانیوس به چشم می‌خورد که سهم زنان از ۲۰ درصد در آغاز دهه ۱۹۷۰ به حدود ۶۰ درصد در نیمه دهه ۱۹۸۰ افزایش یافته است. سهم فزاینده زنان در صنایع بخشی از روند کلی در جهت مشارکت بیشتر نیروی کار زنان است، اما در عین حال معلول این واقعیت نیز هست که بخش بزرگی از صنایع کارخانه‌ای در فعالیتهای نسبتاً "کاربر از قبیل مواد غذایی، پوشاک و نساجی قرار دارد که در آنها اشتغال زنان بوده، یا شده است. در بعضی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، اشتغال مزدبگیری بشدت تغییر کرده، و در سطح پایینی حدود ۱۰ درصد باقی مانده است. این موضوع به عنوان مثال در هندوستان، اردن، کنیا، تانزانیا و زیمبابوه مصداق دارد.

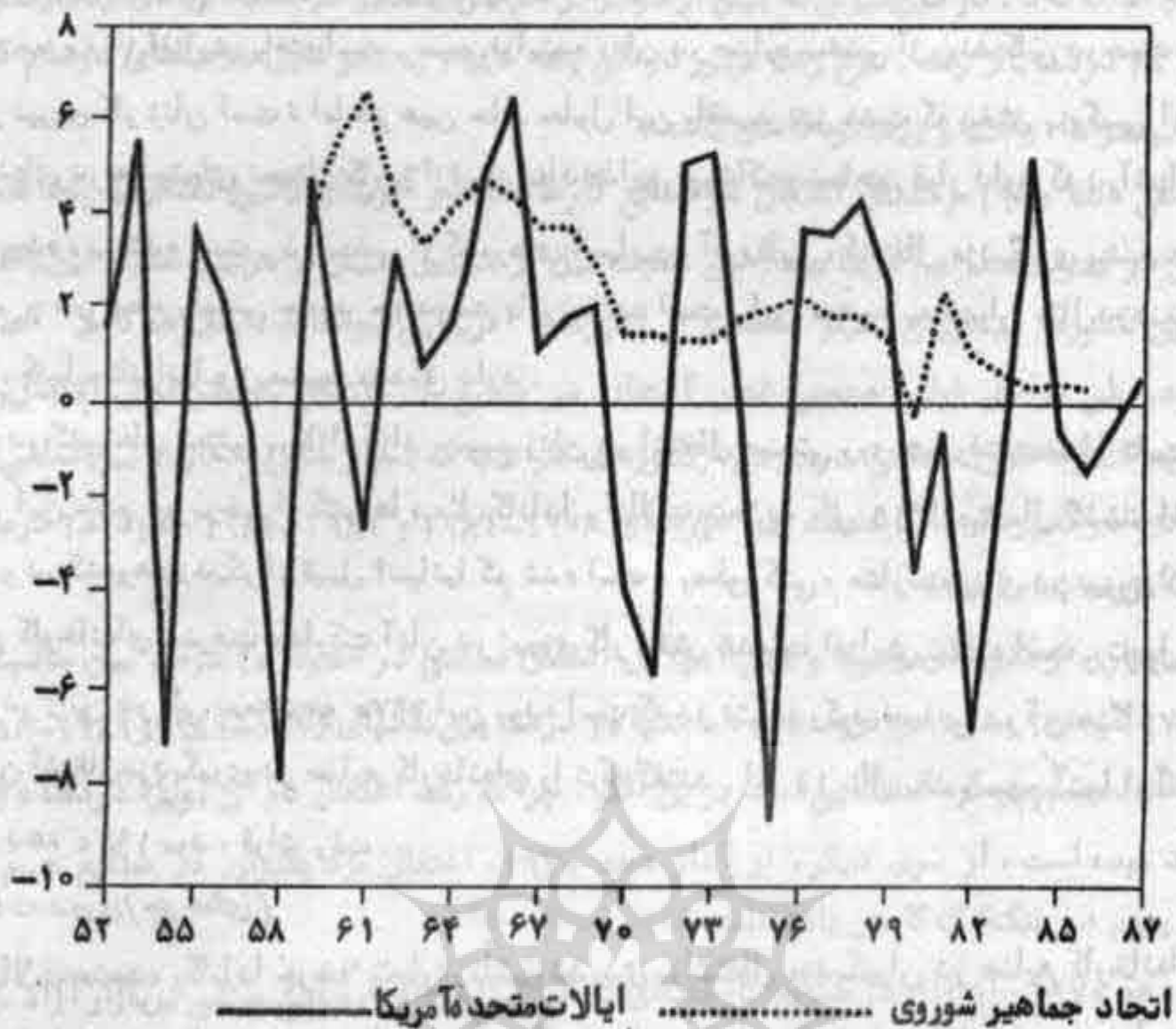
در کشورهای مبتنی بر بازار آزاد، سهم زنان در اشتغال صنعتی روی هم رفته نسبتاً ثابت مانده است. این سهم در برخی از کشورها، مثل کانادا و ایالات متحده، طی ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته افزایش یافته و در کشورهای دیگر از قبیل اسپانیا کم شده است. به‌طور کلی، مشارکت زنان در نیروی کار در صنایع کارخانه‌ای سرعت مشارکت آنان در نیروی کار بخش خدمات افزایش نیافته است. تحول قابل توجه در ژاپن در طی نیمه دهه ۱۹۷۰ این بوده است که در نتیجه رکود جهانی در آن هنگام، بسیاری از زنان اشتغال مزدبگیری در صنایع کارخانه‌ای را ترک گفتند. اما ۱۰ سال بعد، سهم آنها از آنچه در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود، فراتر رفت.

تحولات دوری (چرخه‌های)

در ایالات متحده و کانادا چرخه تجاری تأثیر شدیدی بر اشتغال مزدبگیران در صنایع کارخانه‌ای دارد. برخی از افت و خیزهای چرخه تجاری در آمریکای شمالی توسط حوادث فوق اقتصادی پدید آمده‌اند، از قبیل رکود سال ۱۹۵۴ و ۱۹۷۰-۱۹۷۱ که در پی جنگ کره و ویتنام پدید آمد (نگاه کنید به شکل ۳). رکودهای سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲ نیز برجسته و نمایان هستند، اما الگوی مزبور در دهه ۱۹۶۰ یکنواخت‌تر بوده است. در نهایت دیگر، اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد که در آن عملاً "هیچ تحول دوری وجود ندارد. تفاوت دیگری که وجود دارد عبارت است از سطح اشتغال مبتنی بر دستمزد که در ایالات متحده در طی ۳۵ سال گذشته تغییر اندکی کرده است، در حالی که در شوروی با رشد همراه بوده است، هرچند نرخ این رشد مدام کاهش یافته است.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، الگوی دوری که ایالات متحده پایه‌گذاری کرد، توسط دیگر کشورهای مبتنی بر بازار (چه صنعتی و چه در حال توسعه) گاه دنبال شده و گاه نشده است. مثلاً، افت ۱۹۵۴ در اشتغال صنعتی در ایالات متحده (و کانادا) در اروپا یا کشورهای در حال توسعه رخ نداد. اما به هر حال، رکود ۱۹۵۸ تأثیری منفی بر اشتغال مزدبگیری در اروپا و ژاپن داشت. در آغاز دهه ۱۹۶۰، اشتغال مزدبگیری در صنایع کارخانه‌ای در بسیاری از کشورهای جنوب صحرای آفریقا، که درگیر مبارزه برای کسب استقلال بودند، افت کرد. این پدیده در زیمبابوه نیز بین سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ رخ داد. در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰، رشد اشتغال در صنایع کارخانه‌ای بار دیگر در جنوب صحرای آفریقا، با نرخهای متوسطی بین ۵ و ۱۰ درصد بالا رفت. همان‌طور که قبلاً خاطر نشان شد، اشتغال مبتنی بر دستمزد در صنایع کارخانه‌ای در آسیا و آمریکای لاتین به‌منحوی بسیار چشمگیر رشد یافت. الگوی مزبور در کشورهای کوچک معمولاً بی‌نظم‌تر از کشورهای بزرگ است چرا که کشورهای کوچک در برابر نوسانات تجارت بین‌المللی آسیب‌پذیرترند.

شکل ۳. نسبت درصد تغییرات دوری (چرخهای) در صنایع کارخانه‌های اشتغال مزدبگیری: ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۵۲-۱۹۸۷



رکود سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۱ در آمریکای شمالی تأثیری بر سایر کشورهای مبتنی بر بازار داشت، اما این وضع در سالهای ۱۹۷۵ یکسره متفاوت بود. در این سال، اشتغال مبتنی بر دستمزد در صنایع کارخانه‌ای در تقریباً تمام کشورهای مبتنی بر بازار دچار افت شدید شد. همین افت در برخی از کشورهای در حال توسعه که پیوندهای نزدیکی بویژه با کشورهای مبتنی بر بازار آزاد، از قبیل کنیا، پاناما، پرتوریکو، سنگاپور و سریلانکا داشتند، دیده شد. همچنین، قابل ذکر است که در برخی از کشورهای مبتنی بر برنامه، از قبیل مجارستان، نیز همین تجربه آغاز شد.

در سال ۱۹۸۲، انعکاس رکود در اقتصاد تمام جهان شروع شد. افت شمار شاغلان مزدبگیر در صنایع کارخانه‌ای نه تنها در کشورهای مبتنی بر بازار آزاد، بلکه در اکثر کشورهای در حال توسعه و کشورهای مبتنی بر برنامه آغاز گشت. این تحول حتی در کشورهای بزرگ آسیایی از قبیل هندوستان و چین نیز دیده شد. کشورهایی که به خاطر وسعتشان به طور سنتی در برابر نوسانات اقتصاد جهان مصون بوده‌اند.

سهم اشتغال مبتنی بر دستمزد در کل اشتغال

مطالعات اخیر (۱۱) نشان داده است که فرصتهای موجود برای اشتغال منظم مبتنی بر دستمزد در دهه ۱۹۸۰ در حال رکود بود و افراد روز به روز بیشتری در کشورهای در حال توسعه ناگزیر از این بوده‌اند که با به عنوان کارکن مستقل مشغول کار شوند یا به اشتغال مزدبگیری غیرمنظم در بخش غیررسمی شهری یا روستایی روی آورند. اندازه‌گیری این روند به طور مستقیم دشوار است، اما مقیاس غیرمستقیمی در

مورد برخی کشورها در دسترس است: سهم شاغلان مزد و حقوق بگیر در کل اشتغال صنعتی، در دهه ۱۹۷۰، این سهم به طور مداوم در کشورهای در حال توسعه افزایش یافت و در اکثر کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار ثابت ماند. اما جدول ۲ نشان می دهد که در طی دهه ۱۹۸۰ این روند در جهت افزایش تعداد کارکنان مستقل نه تنها در بعضی کشورهای در حال توسعه (کستاریکا، موروپانا،) بلکه در برخی کشورهای مبتنی بر بازار (مثل فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا و انگلستان) جریان داشته است. در دیگر کشورهای در حال توسعه، مانند جمهوری کره، روند معکوسی پیش آمده که سمت و سوی آن افزایش شاغلان مزد بگیر بوده است؛ در حالی که در برخی از کشورهای پیشرفته مبتنی بر بازار سهم شاغلان مزد بگیر در کل اشتغال در سطح ثابتی معادل بیش از ۹۰ درصد باقی مانده است.

جدول ۲. نسبت درصد کارکنان مزد و حقوق بگیر در کل اشتغال صنعتی در کشورهای منتخب،

۱۹۸۱-۱۹۸۲

کشور	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷
کشورهای در حال توسعه							
کستاریکا	۷۸/۶	۷۷/۳	۷۷/۳	۷۹/۴	۷۶/۲	۷۶/۹	۷۶/۸
مصر	۸۱/۱	۷۸/۸	...	۷۶/۵
جمهوری کره	۸۱/۰	۸۰/۷	۸۲/۸	۸۵/۲	۸۵/۵	۸۲/۷	۸۳/۲
پاناما	...	۸۲/۵	۸۰/۸	۷۹/۱	۷۶/۶	۷۶/۰	...
فیلیپین	۶۶/۷	۶۵/۰	۶۴/۲	۶۷/۱	۶۷/۷	۶۶/۵	۶۸/۶
سنگاپور	۹۳/۵	۹۳/۶	۹۳/۰	۹۳/۵	۹۳/۴	۹۳/۱	۹۳/۷
کشورهای مبتنی بر بازار							
کانادا	۹۸/۵	۹۸/۴	۹۸/۵	۹۸/۵	۹۸/۵	۹۸/۵	۹۸/۷
فرانسه	۹۵/۲	۹۵/۱	۹۵/۱	۹۵	۹۴/۹	۹۴/۹	۹۴/۷
آلمان فدرال	۹۴/۹	۹۴/۹	۹۵	۹۵	۹۵
یونان	۷۱/۲	۷۰/۲	۶۹/۲	۶۹/۹	۶۹/۴	۶۹/۷	۶۸/۸
ایتالیا	۸۷/۰	۸۶/۷	۸۶/۷	۸۶/۷	۸۶/-	۸۵/۶	۸۵/۹
ژاپن	۸۳/۲	۸۳/۴	۸۳/۶	۸۴/۳	۸۵/-	۸۵/۱	۸۵/۳
پرتغال	۸۹/۰	۹۰/۷	۸۸/۹	...	۸۹/۳	۸۹/۸	۸۹/۶
اسپانیا	۸۹	۸۹/۲	۸۸/۳	۸۷/۴	۸۷/۷	۸۷/۹	۸۶/۹
انگلستان	۹۷/۷	۹۷/۵	۹۷/۳	۹۶/۷	۹۶/۲	۹۶/۱	۹۵/۴

مأخذ: دفتر بین المللی کار. سالنامه آمارهای نیروی کار (زنو). داده ها در مورد تمام کشورهای از بررسیمهای مربوط به نیروی کار این کشورها استخراج شده است. بجز فرانسه، جمهوری فدرال آلمان و انگلستان که از برآوردهای رسمی استفاده شده است.

سهم صنایع در اشتغال

در مطالعات قبلی، از قبیل مطالعاتی که لوپس (۱۲) و کلاری (۱۳) انجام داده‌اند، سهم بخشها در نیروی کار به عنوان سنجهای برای صنعتی شدن به کار رفته است. مطالعات اخیرتر (۱۴) که در سطح مقایسه بین کشورها صورت گرفته، بر ساختار اشتغال متمرکز بوده است، چرا که بیکاری آشکار در بسیاری از کشورها، چه توسعه یافته و چه در حال توسعه، افزایش یافته است. آنهایی را که برای نخستین بار در جستجوی کارند نمی‌توان بنا بر بخش طبقه‌بندی کرد و بیکارانی که قبلاً "شاغل بوده‌اند، غالباً" رابطه خود را با بخشی که قبلاً "در آن کار می‌کرده‌اند، حفظ نمی‌کنند.

در درازمدت، فرض بر این است که سهم اشتغال صنایع کارخانه‌ای با سطح توسعه اقتصادی افزایش یابد. توسعه اقتصادی کشورهای صنعتی در گذشته چنین بوده است و در کشورهای نیمه‌صنعتی نیز در حال حاضر همین اتفاق روی می‌دهد. اما شکل ۴-الف نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه، سهم اشتغال صنایع کارخانه‌ای در کل اشتغال به‌طور خودکار افزایش نمی‌یابد. در چند تا از این کشورها (اسرائیل، پاکستان، پاناما، پرو و پورتوریکو) در طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته چنین افزایشی دیده نشده، در حالی که در برخی دیگر (شیلی و فیلیپین) حتی افت آن نیز مشاهده شده است. و بالأخره، در معدودی از کشورها (مصر، کستاریکا، جمهوری کره و تونس) سهم صنایع کارخانه‌ای همان‌طور که در نظریه پیش‌بینی شده، افزایش یافته است.

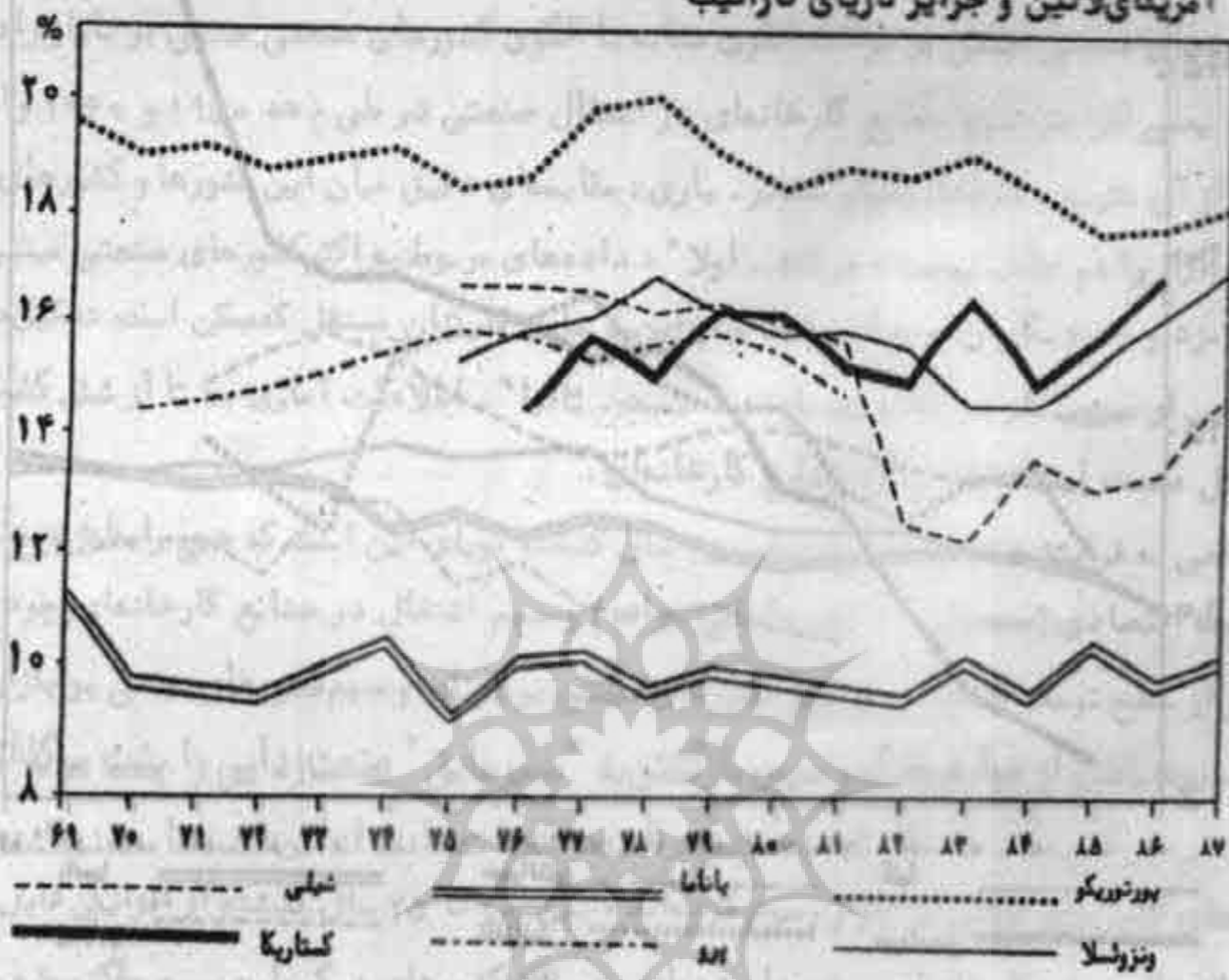
شکل ۴-ب نشان‌دهنده سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال مبتنی بر دستمزداست، و باید به‌خاطر داشت که این نسبتها تنها به‌طور مبهم نشانگر سهم صنایع کارخانه‌ای در کل اشتغالند. اولاً، اکثر داده‌ها از بررسیهای مربوط به مؤسسات و کارگاهها گرفته شده است که عمدتاً "در برگیرنده شاغلان مزدبگیر (در بخش باصطلاح رسمی) می‌باشد. ثانیاً، در اکثر کشورهای در حال توسعه، شاغلان مزدبگیر بخش کوچکی از کل شاغلان را تشکیل می‌دهند. این تورش ممکن است بویژه در آفریقای پایین صحرا شدید باشد که سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال مبتنی بر دستمزد در طی ۱۵ سال گذشته افزایش یافته است. همان‌طور که قبلاً "خاطر نشان شد، افزایش مزبور در موریسیوس، که صادرات صنعتی خود را بشدت افزایش داده، برآستی چشمگیر بوده است. در آن دسته از کشورهای آمریکای لاتین و آسیا که اطلاعات آماری در مورد آنها در دست است، سهم صنایع کارخانه‌ای در کل اشتغال در طی ۱۵ سال گذشته بندرت افزایش یافته است.

در اکثر کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار، سهم صنایع کارخانه‌ای در کل اشتغال در طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در حال افزایش بوده است. جالب است خاطر نشان کنیم که در کشورهای مختلف، اوج این سهم در آغاز دهه ۱۹۷۰ قبل از رکود ۱۹۷۴-۱۹۷۵ بوده است. جمهوری فدرال آلمان در ۱۹۷۰ با سهمی بیش از ۴۰ درصد به اوج خود رسید، در حالی که سهم اسپانیا در ۱۹۷۱ معادل ۲۷/۵ درصد شد. افت سهم صنایع کارخانه‌ای در ژاپن با آغاز رکود ۱۹۷۴-۱۹۷۵ شروع شد، اما افتی که بین سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۶ رخ داد بسیار خفیفتر از اکثر کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار آزاد بود. این افت در انگلستان که سهم صنایع کارخانه‌ای آن بین سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ معادل ۱۲ درصد کاهش یافت، بسیار شدید بوده است. در برخی از دیگر کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار، از قبیل استرالیا، کانادا و ایالات متحده، سهم صنایع کارخانه‌ای پیشاپیش در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در حال افت بود و به‌سطحی بسیار پایین‌تر از ۲۰ درصد در نیمه دهه ۱۹۸۰ رسید.

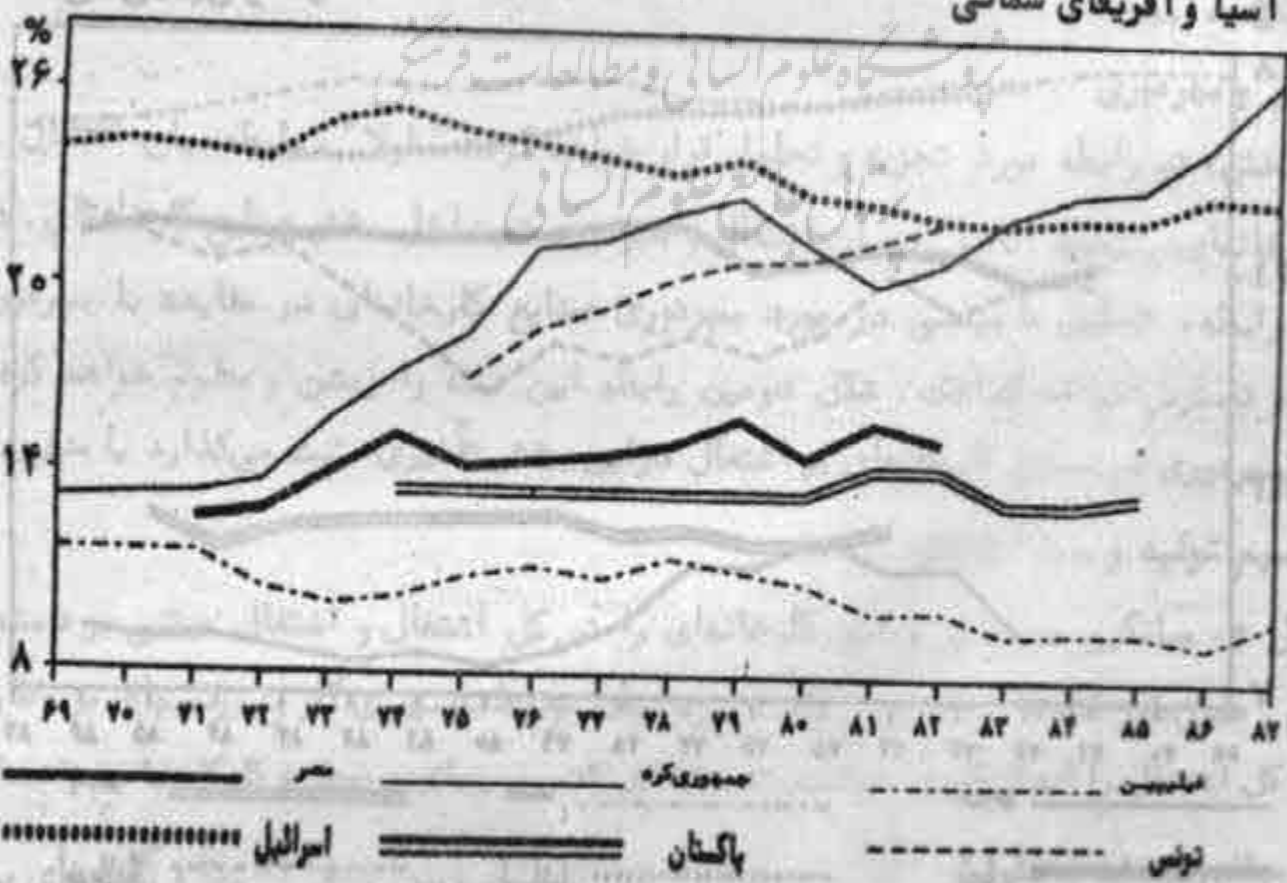
شکل ۴. سهم صنایع کارخانهای در کل اشتغال و اشتغال مبتنی بر دستمزدد در کشورهای
در حال توسعه، ۱۹۶۹-۱۹۸۷

شکل ۴- الف. کل اشتغال (بررسیهای مربوط به نیروی کار)

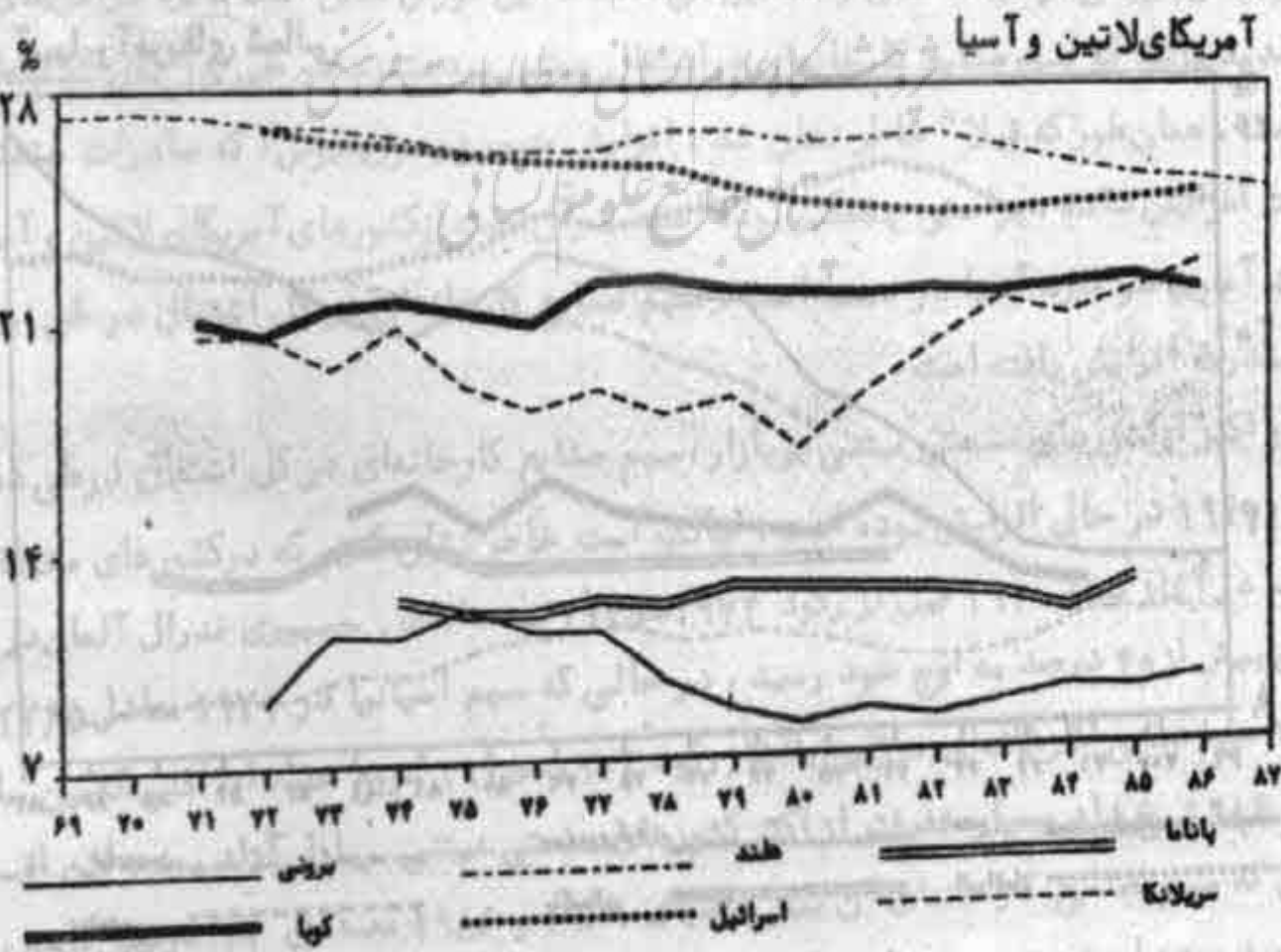
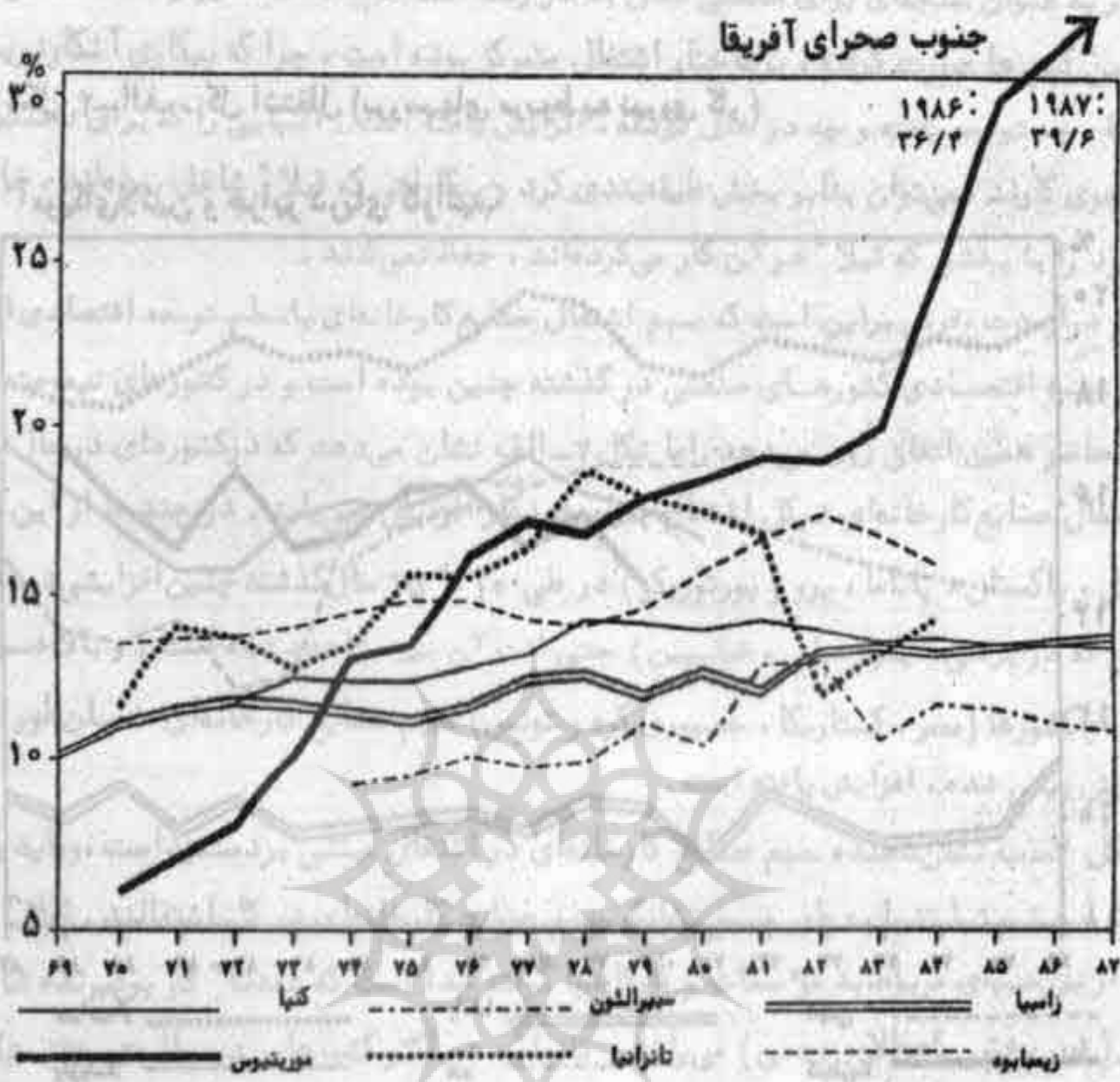
آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب



آسیا و آفریقای شمالی



شکل ۴-ب. اشتغال مبتنی بر دستمزد (بررسیهای مربوط به مؤسسات و کارگاهها)



واقعیت جالب دیگر درباره سهم صنایع کارخانه‌ای در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار این است که آنها ظاهراً به سوی همگرایی می‌روند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نابرابری میان سهمهای صنایع کارخانه‌ای افزایش یافت، ولی از آن هنگام به بعد این نابرابری کم شده است. در نتیجه، اکنون در اکثر کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال معادل تقریباً ۲۰ درصد است (به استثنای جمهوری فدرال آلمان که در آنجا هنوز این سهم بالای ۳۰ درصد است): این فرایند همگرایی، احتمالاً ناشی از آسان و آزادسازی بازرگانی است.

کشورهای صنعتی مبتنی بر برنامه الگوی مشابه با الگوی کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار را دنبال کرده‌اند. یعنی افزایش سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال صنعتی در طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و افت این سهم پس از آن تاریخ، هرچند بسیار کندتر. باری، مقایسه‌های دقیق میان این کشورها و کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار را دو عامل پیچیده می‌کند. اولاً، داده‌های مربوط به اکثر کشورهای صنعتی مبتنی بر برنامه به مزد و حقوق‌بگیران مربوط می‌شود و از این رو شامل کارکنان مستقل که ممکن است تشکیل دهنده بخش مهمی از نیروی کار در کشاورزی باشند، نیست. ثانیاً، اطلاعات آماری سه تا از شش کشور مزبور درباره کل صنعت است، نه درباره صنایع کارخانه‌ای.

نگاهی به فرایند صنعتی شدن در طی ۳۵ سال گذشته گویای این است که هیچ رابطه مستقیمی میان توسعه اقتصادی (محصول ناخالص داخلی سرانه) و سهم اشتغال در صنایع کارخانه‌ای وجود ندارد. صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی، سهم کشورهای مبتنی بر برنامه و سهم کشورهای مبتنی بر بازار همان چرخه بهبود یافتن از عوارض جنگ و سپس بازگشتن به "سیر سابق" صنعت زدایی را پشت سر گذاشته‌اند. الگوی مزبور در کشورهای در حال توسعه متنوع‌تر است. تنها تعدادی از این کشورها، یعنی کشورهایی که به بازارهای کشورهای مبتنی بر بازار رسوخ کرده‌اند، بین ۲۰ تا ۲۵ سال گذشته از افزایش قابل توجهی در سهم اشتغال صنایع کارخانه‌ای برخوردار شده‌اند. در اکثر کشورهای دیگر، این سهم راکد بوده، و حتی دچار افت شده است.

۳. اشتغال و بهره‌وری

در این بخش، دو رابطه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت: اولاً، رابطه میان اشتغال و سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید؛ ثانیاً، میان اشتغال و بهره‌وری در داخل بخش صنایع کارخانه‌ای. در مورد نخستین رابطه، تحلیل ما بینشی در مورد بهره‌وری صنایع کارخانه‌ای در مقایسه با بهره‌وری بقیه اقتصاد در دسترس خواهد گذاشت. شکل دومین رابطه این نکته را روشن و معلوم خواهد کرد که آیا تغییرات بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای بر اشتغال در این بخش تأثیری مثبت می‌گذارد یا منفی.

مقایسه سهم تولید و سهم اشتغال

در جدول ۳، میانگین سهمهای صنایع کارخانه‌ای را در کل اشتغال و اشتغال مبتنی بر دستمزد نشان داده‌ایم. همان‌طور که قبلاً خاطر نشان شد، بررسیهای مربوط به نیروی کار و بررسیهای مربوط به خانوار معمولاً کل اشتغال را اندازه‌گیری می‌کنند، در حالی که بررسیهای مربوط به کارگاهها و موسسات تنها اشتغال مبتنی بر مزد و حقوق را اندازه می‌گیرند. در آفریقای پایین صحرا، آسیا و کشورهای مبتنی بر برنامه، آمارهای اشتغال معمولاً از بررسیهای مربوط به موسسات و کارگاهها به دست می‌آید، در حالی که در آمریکای لاتین و کشورهای مبتنی بر بازار این آمارها عمدتاً از بررسیهای مربوط به نیروی کار و خانوار فراهم می‌شود.

جدول ۳. سهم صنایع کارخانهای در کل اشتغال و اشتغال مبتنی بر دستمزد در تمام بخشها (%) و نسبت ارزش افزوده به سهم اشتغال، (۱۹۸۵-۱۹۶۰)

۱۹۸۵-۱۹۸۲		۱۹۸۱-۱۹۷۶		۱۹۷۵-۱۹۷۱		۱۹۷۰-۱۹۶۰		منطقه / گروه کشورها
اشتغال مبتنی بر دستمزد	کل اشتغال	اشتغال مبتنی بر دستمزد	کل اشتغال	اشتغال مبتنی بر دستمزد	کل اشتغال	اشتغال مبتنی بر دستمزد	کل اشتغال	
								جنوب صحرائی آفریقا
۱۳/۲	...	۱۱/۷	...	۱۱/۲	...	۹/۸	...	(۱) در تمام بخشها
۱۷/۱	...	۱۶/۳	...	۱۶/۵	...	۱۵/۱	...	در بخشهای غیر کشاورزی
۱۰/۹	...	۱۰/۲	...	۹/۵	...	۱۰/۳	...	(۲) سهم ارزش افزوده
...	(۳) نسبت سهمها
۰/۸۲	...	۰/۸۷	...	۰/۸۵	...	۱/۰۵	...	(۱):(۲)
								آسیا (۱)
	۲۱/۵	۱۹/۷	۲۰/۶	۲۱/۵	۱۵/۳	...	۱۱/۲	(۱) در تمام بخشها
۱۷/۸	۱۸	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۵/۱	۱۵/۱	...	۱۳/۹	(۲) سهم ارزش افزوده
...	(۳) نسبت سهمها
۰/۸۲	۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۰	۰/۹۸	...	۱/۲۳	(۱):(۲)
								آمریکای لاتین و کارائیب
...	۱۳/۹	...	۱۵/۶	...	۱۶/۶	(۱) در تمام بخشها
...	۲۳	...	۲۳/۸	...	۲۲/۲	(۲) سهم ارزش افزوده
...	(۳) نسبت سهمها
...	۱/۵۲	...	۱/۵۲	...	۱/۲۵	(۱):(۲)
								کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار آزاد
...	۲۲/۶	...	۲۵/۱	...	۲۷/۲	...	۲۸/۱	(۱) در تمام بخشها
...	۲۵/۲	...	۲۵/۲	...	۲۵/۶	...	۲۷/۰	(۲) سهم ارزش افزوده
...	(۳) نسبت سهمها
...	۱/۱۲	...	۱/۰۱	...	۰/۹۲	...	۰/۹۶	(۱):(۲)

۱. بجز کشورهای خاورمیانه

مأخذ: بر مبنای آرشيو اطلاعاتی یونیدو و سالنامه آمارهای کارگری دفتر بین المللی کار

در جدول ۳ شاخصی در مورد تغییر میزان کاربری در تولید صنایع کارخانهای به دست داده ایم که عبارت است از نسبت میان ارزش افزوده و سهم اشتغال در صنایع کارخانهای. کاهش نسبت مزبور به این معنی است که بخش صنایع کارخانهای نسبت به دیگر بخشها کاربرتر شده است.

از آغاز دهه ۱۹۶۰، سهم اشتغال صنایع کارخانهای در کشورهای مبتنی بر بازار سرعت در حال کاهش بوده است. از دوره ۱۹۷۱-۱۹۷۵ به بعد، کاهش سهم اشتغال در این صنایع شدیدتر از کاهش سهم آن در ارزش افزوده بوده است، که این نشان دهنده کاهش کاربری صنایع کارخانهای است. این موضوع را می توان به سیاستهای کاراندوزی نسبت داد که اکثر کشورهای صنعتی از نخستین افزایش شدید

قیمت نفت در پیش گرفته‌اند.

در کشورهای جنوب صحرای آفریقا می‌بینیم که سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال مبتنی بر مزد و حقوق مدام افزایش یافته است. اما از آنجا که اشتغال مبتنی بر دستمزد در کشاورزی نسبتاً پایین است، جا دارد که به سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال مبتنی بر دستمزد در بخش غیرکشاورزی نیز نگاهی بیندازیم. این سهم نیز، هر چند فقط به طور حاشیه‌ای، در حال افزایش بوده است. بعلاوه، افزایش اشتغال بیشتر معلول افزایش شدت کاربری است تا معلول افزایش ارزش افزوده. افت شدید نسبت سهم ارزش افزوده به سهم اشتغال بیانگر همین است.

این الگو پیامدها و نتایج بحران اقتصادی و سیاستهایی را که در پی این بحران برای مقابله با کسری ترازی پرداختها در جنوب صحرای آفریقا در پیش گرفته شده است، بخوبی منعکس می‌کند. به علت کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و وسایل یدکی، بخش صنعت با ظرفیتی بسیار پایین کار می‌کرده است. صنایع غالباً سطح اشتغال خود را حفظ کرده‌اند و بهبود در انتظار فرصتهایی برای افزایش میزان استفاده از ظرفیتهای خود بوده‌اند. و این امر به گونه‌ای گریزناپذیر افت نسبت میان سهم ارزش افزوده و سهم اشتغال را تقویت کرده است. بدین ترتیب، کاربری ملاحظه شده چندان محصول سیاستگذاری آگاهانه نیست بلکه ناشی از دیگر رخدادهای سیاستهاست. بعداً خواهیم دید که این امر نتایج جدی برای درآمد متوسط کارگران صنایع کارخانه‌ای داشته است.

در آسیا شاهد افزایش سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال بین دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ بوده‌ایم، که مجدداً در دهه ۱۹۸۰ به سطح قبلی بازگشته است. همچنین، برای هر دو نوع بررسی (۱۵) پی بردیم که میزان کاربری در دوره ۱۹۸۲-۱۹۸۵ در مقایسه با دهه ۱۹۷۰ افزایش یافته است، گرچه افزایش مزبور در مورد کشورهایی که دارای بررسیهای مربوط به نیروی کار هستند، قبلاً در نیمه دهه ۱۹۷۰ مشاهده شده است.

افزایش نسبی در میزان کاربری در کشورهای آسیایی بیش از کشورهای جنوب صحرای آفریقا محصول سیاستگذاریهای سنجیده و آگاهانه می‌نماید. اکثر کشورهای آسیایی، خواه به علت وسعت زیاد (هندوستان و چین) و آسیب‌پذیری کمتر به علت این وسعت، یا به علت جابه‌جایی و گسترش بازارهای صادرات، از ضربه‌های بیرونی کمتر آسیب دیده‌اند. بدین ترتیب، افزایش کاربری را می‌توان تا اندازه‌ای نتیجه سیاستهای هماهنگ‌تر دانست. همچنین، خواهیم دید که میانگین درآمدها به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

سهم اشتغال در آمریکای لاتین از اوایل دهه ۱۹۷۰ در حال کاهش بوده است و کاربری نیز اندکی کم شده است. البته، این روند به این واقعیت مربوط می‌شود که ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای وضعیت خیلی خوبی نداشته است و این امر منجر به کاهش تولید و بسته شدن واحدهای صنایع کارخانه‌ای شده است. در اینجا نیز نتایج ضربه‌های بیرونی و سیاستگذاری داخلی را در پاسخ به این ضربه‌ها که منجر به افزایش بیکاری شده است، مشاهده می‌کنیم.

اشتغال و بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای

برای فهم یونانی شناسی صنعتی شدن، بررسی رابطه میان الگوهای رشد ارزش افزوده، بهره‌وری و اشتغال واجد اهمیت است. از همین رو، الگوهای بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای را در مناطق با بهره‌وری

شیوه تحلیل کالدور بررسی کرده ایم :

$$dempma = a + b \cdot dvama$$

که در آن :

$dempma$ = نسبت درصد افزایش اشتغال در صنایع کارخانه‌ای :

$dvama$ = نسبت درصد افزایش ارزش افزوده در صنایع کارخانه‌ای .

نتایج این معادله در جدول ۴ گزارش شده است . (۱۶)

جدول ۴. ضرایب رگرسیون درصد افزایش در اشتغال صنعتی ($dempma$) نسبت به درصد افزایش در ارزش افزوده ($dvama$) ۱۹۷۱-۸۵

۱۹۸۲-۸۵		۱۹۷۴-۸۱		۱۹۷۱-۷۵		منطقه / گروه کشورها
اشتغال با مزد	کل اشتغال	اشتغال با مزد	کل اشتغال	اشتغال با مزد	کل اشتغال	
۰/۷۱ (۱/۲۵)	...	-۰/۵۲ (-۱/۶۸)	...	۰/۰۲ (۰/۱۶)	...	جنوب صحرای آفریقا
۰/۲۸ (۱۰/۵۵)	۰/۰۹ (۰/۶۸)	-۰/۳۷ (-۱/۳۱)	۰/۶۸ (۲/۵۱)	-۰/۰۲ (-۰/۰۷)	۰/۷۵ (۳/۸۱)	آسیا ^۱
۰/۲۸ (۰/۵۵)	۰/۷۱ (۰/۶۸)	...	۰/۳۸ (۲/۱۰)	...	۰/۲۰ (۱/۳۵)	آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
...	۰/۲۲ (۲/۸۸)	...	۰/۱۶ (۲/۰۹)	...	۰/۲۹ (۲/۵۸)	کشورهای مستقلی بر بازار آزاد
$R^2 = ۰/۰۷$ $n = ۳۱$...	$R^2 = ۰/۰۵$ $n = ۶۰$...	$R^2 = ۰/۰۰۱$ $n = ۲۲$...	جنوب صحرای آفریقا
$R^2 = ۰/۰۲$ $n = ۹$	$R^2 = ۰/۰۲$ $n = ۱۸$	$R^2 = ۰/۱۰$ $n = ۱۸$	$R^2 = ۰/۳۲$ $n = ۲۸$	$R^2 = ۰/۰۰$ $n = ۱۳$	$R^2 = ۰/۶۲$ $n = ۱۱$	آسیا ^۱
...	$R^2 = ۰/۳۲$ $n = ۲۲$...	$R^2 = ۰/۹$ $n = ۲۹$...	$R^2 = ۰/۱۵$ $n = ۱۳$	آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
...	$R^2 = ۰/۱۵$ $n = ۵۰$...	$R^2 = ۰/۰۲$ $n = ۱۰۳$...	$R^2 = ۰/۲۲$ $n = ۷۳$	کشورهای مستقلی بر بازار آزاد

۱. به استثنای کشورهای خاورمیانه

اعداد داخل کمانکها مقدار "t" است .

مأخذ : آرشيو اطلاعاتی بونیدو و سالنامه آمارهای کارگری دفتر بین المللی کار

معادله فوق رابطه میان افزایش در ارزش افزوده و اشتغال صنایع کارخانه‌ای را بیان می‌کند. علامت مورد انتظار ضریب b مثبت است.

در کشورهای مبتنی بر بازار، می‌بینیم که کشش رشد اشتغال نسبت به رشد ارزش افزوده در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ پایین‌تر از اوایل دهه ۱۹۷۰ بوده است، که خود کاهش اشتغال و افزایش بهره‌وری کار را نشان می‌دهد.

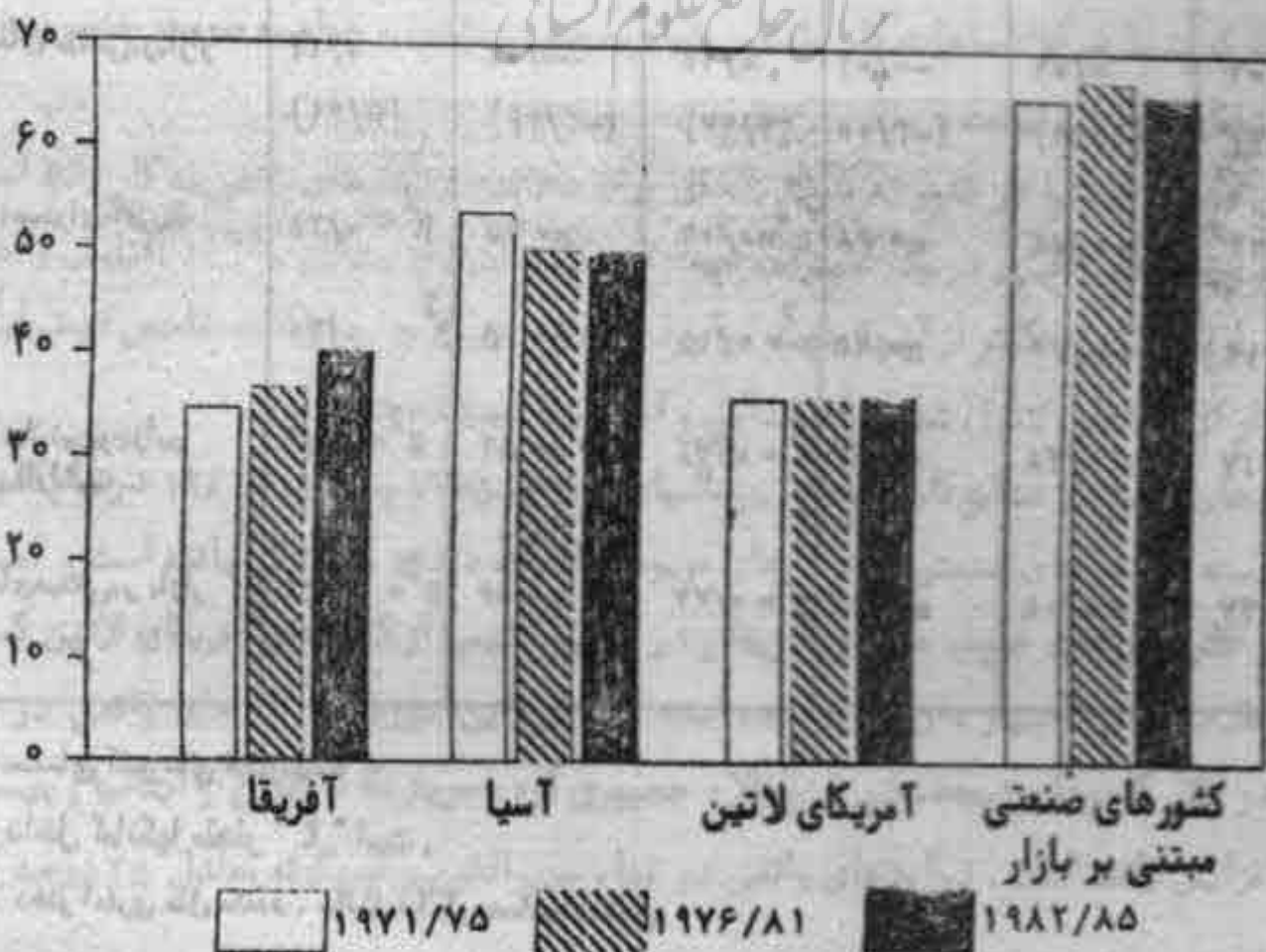
در آمریکای لاتین، ضرایب مزبور در دوره ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۵ بسیار بزرگتر است که این موضوع نشان‌دهنده کاهش بهره‌وری کار است. در آسیا، شاهد کششهای غیرقطعی اشتغال در گروه کشورهای هستیم که در آنها داده‌های مربوط به اشتغال منعکس‌کننده اشتغال مبتنی بر مزد است. در مورد کشورهای که داده‌های مربوط به اشتغال منعکس‌کننده کل اشتغال است، کشش پایینی را مشاهده می‌کنیم. اما از آنجا که رشد تولید بیش از سایر قاره‌ها بوده است، اشتغال صنعتی، همان‌طور که قبلاً خاطر نشان کردیم، توانسته است رشد کند که این خود تأیید کننده نظریه کالدور و وردورن در باره رابطه میان رشد تولید و بهره‌وری است. به عبارت دیگر، افزایشهای سریع در بهره‌وری ضرورتاً برای اشتغال زیان‌آور نیست.

در جنوب صحرای آفریقا، این ضرایب بزرگ نیستند و ارقام مربوط به ۱۹۸۲-۱۹۸۵ نشان‌دهنده افزایش وسیعی در کشش است که خود منعکس‌کننده افت بهره‌وری است که از حفظ سطوح اشتغال به هنگام رشد ناچیز تولید ناشی می‌شود.

۴. تعدیل، اشتغال و درآمدها

بخشهای پیشین نشان دادند که در طی دهه ۱۹۶۰ صنعتی شدن در بسیاری از کشورها کند شده و در برخی کشورها صنعت‌زدایی رخ داده است. این امر نه تنها منتج از کندتر شدن رشد اقتصادی است، بلکه همچنین پیامد نوعی سیاستهای تعدیل است که به کار بسته شده‌اند. در این بخش، به بررسی تأثیر مشترک و مرکب کند شدن رشد اقتصادی و سیاستهای تعدیل بر اشتغال و درآمدها خواهیم پرداخت.

شکل ۵. سهم مزایای کارکنان در ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای، ۱۹۷۱-۱۹۸۵



شکل ۵ اطلاعاتی را درباره سهم دستمزد و مزایای کارکنان در ارزش افزوده صنایع کارخانه‌های و جدول ۵ کثرت سهم مزبور را نسبت به ارزش افزوده سرانه صنایع کارخانه‌ای و اندازه جمعیت بنا بر فرمول زیر به دست می‌دهد.

$$\log \text{comp} = a + b \log \text{vamapc} + c \log \text{pop}$$

که در آن:

comp = سهم دستمزد و مزایای کارکنان در ارزش افزوده؛

vamp = ارزش افزوده سرانه صنایع (به دلار سال ۱۹۷۵ ایالات متحده)؛

pop = اندازه جمعیت.

جدول ۵. کثرت سهم مزایای کارکنان در ارزش افزوده صنایع با توجه به ارزش افزوده سرانه صنایع کارخانه‌های (vamapc) و جمعیت (pop) ۱۹۷۱ - ۱۹۸۵

۱۹۸۵ - ۱۹۸۱		۱۹۸۱ - ۱۹۷۶		۱۹۷۵ - ۱۹۷۱		منطقه / گروه کشورها
pop	vamapc	pop	vamapc	pop	vamapc	
۰/۰۳ (-۰/۳۴)	۰/۱۹ (۱/۳۳)	۰/۰۱ (-۰/۱۰)	۰/۲۵ (۳/۸۱)	۰/۰۵ (-۰/۹۶)	-۰/۲۶ (۳/۶۱)	جنوب صحرائی آفریقا
۰/۰۳ (-۱/۰۸)	-۰/۱۷ (-۲/۳۷)	-۰/۰۱ (-۰/۲۴)	-۰/۱۶ (-۱/۷۲)	۰/۰۲ (-۰/۹۱)	-۰/۳۵ (-۲/۱۴)	آسیا
-۰/۲۰ (-۲/۹۷)	۰/۴۴ (۲/۱۷)	-۰/۱۵ (-۶/۰۵)	۰/۱۵ (۲/۵۸)	-۰/۰۹ (-۳/۸۰)	۰/۰۲ (۰/۵۷)	آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
-۰/۰۱ (-۰/۸۷)	۰/۰۹ (۱/۹۹)	-۰/۰۲ (-۳/۰۰)	۰/۱۲ (۷/۹۷)	-۰/۰۳ (-۳/۲۶)	۰/۱۴ (۶/۴۹)	کشورهای مبتنی بر بازار آزاد
n=۲۶ R ² =۰/۰۸		n=۶۸ R ² =۰/۱۹		n=۲۵ R ² =۰/۲۵		جنوب صحرائی آفریقا
n=۱۲ R ² =۰/۳۲		n=۲۵ R ² =۰/۱۵		n=۲۵ R ² =۰/۳۰		آسیا
				n=۵۲ R ² =۰/۲۴		آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب
n=۲۷ R ² =۰/۰۸		n=۱۱۴ R ² =۰/۳۷		n=۰۶ R ² =۰/۳۲		کشورهای مبتنی بر بازار آزاد

۱. به استثنای کشورهای خاورمیانه

اعداد داخل کمانکها مقدار "t" است.

مأخذ: دفتر آماری ملل متحد: سالنامه آمار حسابهای ملی

در وهله نخست مشاهده می‌کنیم که سهم مزبور در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار به مراتب بالاتر از سایر گروههای کشورهاست. آسیا، با محصول ناخالص سرانه داخلی نسبتاً پایین، سهمی به مراتب بالاتر از آمریکای لاتین دارد که محصول ناخالص سرانه داخلی اش بالاتر است. سهم مزبور در کشورهای صنعتی در اوایل دهه ۱۹۸۰ اندکی رو به کاهش رفته است. در دهه ۱۹۷۰، کثرت ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای هنوز هم مثبت بوده است، اما در دهه ۱۹۸۰ تفاوت ناچیزی با صفر داشته است. (۱۷)

به هر حال، در آسیا سهمی کاهش یافته از سطحی پایین‌تر را همراه با کثرت منفی شاهدیم، که نشان‌دهنده این است که توزیع مزبور به نفع گروههای غیرمزدبگیر در حال تغییر بوده است. در کشورهای جنوب صحرا کثرت مزبور در حال افت بوده است، گرچه سهم واقعی هنوز در حال افزایش است، در حالی که در آمریکای لاتین کم و بیش ثابت مانده است.

درآمدهای واقعی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰

آمارهای مربوط به میانگین درآمدها در صنایع کارخانه‌ای که در اینجا به کار رفته‌اند، عمدتاً از داده‌های مربوط به صورت مزد و حقوق ماهانه که توسط نمونه‌گیری از موسسات و کارگاهها به دست آمده، گرفته شده‌اند. میانگین درآمدها با تقسیم کل مزد و حقوق ماهانه بر تعداد کارکنان (یا دستمزد پرداخت شده به تقریب) در طی دوره‌ای که دستمزد دریافت شده، به دست آمده است. درآمدها معمولاً به صورت نقدی در ازای ساعات کار عادی و اضافه‌کاری پرداخت شده‌اند. همچنین، این درآمدها در بردارنده پاداش، کمک هزینه زندگی و سود ویژه هستند، اما کمک هزینه کارفرما در تأمین اجتماعی را در بر نمی‌گیرند. در نتیجه، درآمدها ناخالصند چرا که مالیاتها و مبلغ پرداخت شده از سوی کارگران برای تأمین اجتماعی جزو آنهاست.

درآمدهای گزارش شده در جدول ۶ در همه موارد کاملاً قابل مقایسه بین کشورها نیستند. ارقام غالباً به گروههای کاملاً متفاوتی از کارکنان، از قبیل حقوق بگیران، مزد بگیران، افراد بیمه شده، افراد شاغل در بخش اجتماعی شده مربوط می‌شوند. به علاوه، این ارقام ممکن است به دوره‌های زمانی متفاوتی (ساعت، روز، هفته یا ماه) مربوط باشند. در مورد هنگ‌کنگ، جدول مزبور نرخهای دستمزدی را بیان می‌کند که تنها در ازای ساعات کار عادی، خواه به صورت نقدی و خواه به صورت جنسی پرداخت شده است و شامل اضافه‌کار نیست.

شاخص عمومی قیمتها در کشور به منزله یک کل برای محاسبه درآمدهای واقعی به کار رفته است. مسائل متعددی در اندازه‌گیری درست تغییرات قیمت در طی زمان وجود دارد. (۱۸) افزایش واقعی قیمت در بسیاری از کشورها کمتر از آنچه هست برآورد شده است زیرا برای محاسبه شاخص قیمتها به جای قیمتهای بازار از قیمتهای کنترل شده مواد غذایی و اجاره‌بها استفاده شده است.

درآمدهای واقعی در صنایع کارخانه‌ای بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ و ۱۹۷۶-۱۹۸۱ در تمام کشورهای آسیا و آن دسته از کشورهای صنعتی که داده‌های مربوطه را ارائه دادند، افزایش یافته است، اما این درآمدها در اکثر کشورهای جنوب صحرا، آفریقا و در تقریباً نیمی از کشورهای آمریکای لاتین که در مورد آنها اطلاعاتی در اختیار داریم، کم شده است. در طی این دوره، درآمدهای واقعی در صنایع کارخانه‌ای در اکثر کشورهای نیمه‌صنعتی (ونزوئلا، جمهوری کره، سریلانکا، یونان و ایتالیا) بیش از ۳۵ درصد افزایش یافته است. درآمدهای واقعی در غنا، سیرالئون و اوروگوئه معادل ۲۵ درصد کاهش یافته است.

جدول ۶. ایندکس درآمدهای واقعی در صنایع کارخانهای (۱۹۷۶-۱۹۸۱=۱۰۰) و ۱۹۷۱-۱۹۷۵،
۱۹۸۲-۱۹۸۶ و ۱۹۸۷

کشورها	واحد زمان	پوشش	۱۹۷۱-۱۹۷۵	۱۹۸۲-۱۹۸۶	۱۹۸۷
جنوب صحرای آفریقا					
بوروندی ^۱	ماهانه	کارمندان	۱۳۳/۱	۱۱۱/۶	۱۰۶/۳
غنا	"	"	۲۳۵/۲ ^۲	۶۴/۵	...
کنیا	"	"	۱۱۳/۲	۸۰/۷	۷۸/۶
مالاوی	"	"	۱۰۹/۴	۹۱/۵	۷۸/۴
موریتوس	روزانه	مزدبگیران	۸۶/۲	۹۲/-	۱۱۵/۴
سیرالئون	هفتای	"	۱۳۵/۳	۴۹/۳	۱۱/۷
زامبیا	ماهانه	کارمندان	۱۱۴/-	۶۸/۵	...
زیمبابوه	"	افراد استخدام شده	۹۱/۲	۱۱۰/۳	...
آسیا					
چین	ماهانه	کارکنان بخش عمومی	...	۱۱۲/۸	۱۲۹/۷
هنگ کنگ ^۳	روزانه	مزدبگیران	۸۵/۴	۱۴۰/۷	۱۶۳/۹
اسرائیل	ماهانه	افراد بیمه شده	۷۷/۹	۱۲۲/۶	۱۳۸/۴
اردن	روزانه	کارمندان	۸۳/۲	۱۰۷/۱	...
جمهوری کره	ماهانه	"	۵۶/۳	۱۳۳/۵	۱۶۴/۳
سرلانکا	روزانه	مزدبگیران	۶۹	۷۷/۷	۸۴/۵
ترکیه	"	افراد بیمه شده	۹۷/۶	۳۸/۴	...
آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب					
بولیوی	ماهانه	کارمندان	۱۰۱/۶	۶۴/۵	...
کلمبیا	ساعتی	مزدبگیران	۹۴/۳	۱۲۳/۶	۱۳۲/۹
کستاریکا	ماهانه	بیمه شدگان	۸۱/۸	۹۴/۵	۱۰۹/۷
جمهوری دومینیکن	"	کارمندان	۱۰۰/۸	۸۵/۸	...
اکوادور	ساعتی	مزدبگیران	۷۵/۰	۱۰۲/۵	...
السالوادور ^۴	"	"	۱۰۴/۷	۸۶/۱	...
کواتالا	"	"	۱۲۰/۲	۱۰۴/۹	...
مکزیک	ماهانه	"	۸۸/۵	۷۳/۹	۶۲/۲
پاناما	ساعتی	"	۱۰۲/۵	۱۰۲	...
پرو ^۵	روزانه	"	۱۳۳/۶	۷۲/۹	۸۵
پورتوریکو	هفتای	"	۸۸	۱۱۲/۷	۱۱۹/۱
اوروگوئه ^۶	ماهانه	کارمندان	۱۵۶/۸	۷۸/۵	...
ونزوئلا	"	مزدبگیران	۷۰/۶	۸۱/۷	۹۳/۴

ادامه جدول ۶

کشورها	واحد زمان	پوشش	۱۹۷۱ - ۱۹۷۵	۱۹۸۲ - ۱۹۸۶	۱۹۸۷
کشورهای مبتنی بر بازار آزاد					
استرالیا	ساعتی	.	۹۲	۱۰۵/۷	۱۰۲/۱
آذربایجان	ماهانه	کارمندان	۸۲/۱	۱۰۸/۲	۱۱۵/۶
کانادا	هفته‌ای	.	۹۲/۱	۹۸/۷	۹۷/۲
دانمارک	ساعتی	مزدبگیران	۸۸/۶	۹۵/۲	۱۰۰/۵
فنلاند ^۲	.	کارمندان	۹۲/۱	۱۰۷/۸ ^۸	۱۱۶/۶
فرانسه	.	مزدبگیران	۸۱/۱	۱۰۸/۶	۱۱۱/۲
جمهوری فدرال آلمان	هفته‌ای	.	۸۷/۷	۱۰۱/۷	۱۰۹/۳
یونان	ساعتی	.	۶۹/۲	۱۲۱/۲	۱۰۹/۵
ایرلند	هفته‌ای	.	۸۲/۵	۱۰۰/۸	۱۰۷/۳
ایتالیا	ساعتی	.	۶۶/۷	۱۰۹/۸	...
ژاپن	ماهانه	کارمندان	۸۷/۳	۱۰۷/۲	۱۱۲/۹
هلند	هفته‌ای	.	۹۵/۹	۹۹/۷	۹۹/۱
نروژ	ساعتی	.	۹۲/۷	۹۹	...
سوئد	.	مزدبگیران	۷۸	۸۹	...
بریتانیا	.	کارمندان	...	۱۱۳/۵	۱۲۰/۵
اسپانیا	.	مزدبگیران	۹۲	۹۲/۶	۱۰۰/۵
سوئیس	هفته‌ای	.	۹۸/۷	۹۷	۹۷/۶
آمریکا					
کشورهای صنعتی مبتنی بر برنامه					
بلغارستان ^۸	ماهانه	کارکنان بخش عمومی	۸۸/۹	۱۱۰/۷	۱۲۰/۳
چکسلواکی	.	.	۸۹/۳	۱۰۰/۲	۱۰۴
جارتان	.	.	۵۸/۲	۱۰۱/۲	۱۰۵
لیتوان	.	.	۷۶	۸۷/۲	۸۸/۲
اتحاد جماهیر شوروی	.	.	۸۲/۲	۱۰۷/۸	۱۱۳/۱
یوگسلاوی	.	.	۹۳/۶	۸۳/۵	۸۱/۶

۵. مناطق مادر شهری

۶. بخش خصوصی مونته ویدئو

۷. شامل استخراج معادن و سنگ و برق

۸. ۱۹۸۱ - ۱۹۸۴

۱. بوجاسورا

۲. ۱۹۷۵

۳. نرخ دستمزد

۴. مردان

مأخذ: دفتر بین‌المللی کار، سالنامه آماری کار در سالهای مختلف

در حدود نیمی از تمام کشورهای که در جدول ۶ ذکر شده‌اند. بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ کاهش درآمدهای واقعی را گزارش کرده‌اند. این امر در مورد اکثریت کشورهای جنوب صحرای آفریقا و آمریکای لاتین مصداق داشته است و در معدودی از آنها (غنا، سیرالئون، بولیوی و پرو) کارگران دچار افتی بیش از ۲۵ درصد از درآمدهای واقعی شده‌اند. کارگران در اکثر کشورهای آسیایی همچنان از افزایش درآمدهای واقعی برخوردار بوده‌اند که بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ کاه به بیش از ۳۰ درصد می‌رسیده است (مثلاً "در کره و هنگ کنگ). درآمدهای واقعی در ترکیه بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۱ و ۱۹۸۲-۱۹۸۶ واقعا "دچار افت شدیدی بیش از ۶۰ درصد شده است. در اکثر کشورهای صنعتی، درآمدهای واقعی در صنایع کارخانه‌ای در طی این دوره همچنان مدام در حال افزایش بوده که این افزایش به طور عادی از ۱۰ درصد بیشتر نشده است. در دیگر کشورهای صنعتی، کاهش درآمدهای واقعی معمولا "بیش از ۵ تا ۱۵ درصد نبوده است.

۵. خلاصه

تغییرات و جابه‌جاییهای سهم صنایع کارخانه‌ای در محصول ناخالص داخلی و در کل اشتغال مهمترین مقیاس تحول ساختاری ناشی از صنعتی شدن است.

آسیا تنها قاره‌ای است که سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید در طی ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته افزایش یافته، و در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۱۸ درصد رسیده است. در جنوب صحرای آفریقا سهم مزبور در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است؛ این سهم در آمریکای لاتین بین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از ۲۵ درصد به ۲۳ درصد کاهش یافته است؛ و در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار بین دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۸۰ از ۲۷ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافته است. هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، کوششهای سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید با توجه به محصول ناخالص داخلی سرانه در دهه ۱۹۶۰ در بالاترین حد خود بوده است. این کوشش در آسیا بتدریج از ۴۷٪ به ۳۰٪ در اوایل دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است؛ در جنوب آفریقا بین دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ با افتی شدید از ۳۴٪ به ۲۹٪ رسیده، اما پس از آن در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۱۵٪ افزایش یافته است؛ و در آمریکای لاتین در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار در دهه ۱۹۶۰ پایین و بتدریج معادل ۵/۸ و ۵/۱۴ بوده، و پس از آن اختلاف چندانی با صفر نداشته است. کوششهای سهم تولید با توجه به اندازه جمعیت در آسیا و آمریکای لاتین ثابت یا زیاد (حدود ۲۰٪) بوده، در حالی که در جنوب صحرای آفریقا از ۱۵٪ در دهه ۱۹۶۰ به ۵/۸ در اوایل دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است و در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار تفاوت چندانی با صفر نداشته است، چرا که ادغام اقتصادی و آزادسازی تجارت احتمالا "تأثیر وسعت کشور بر دامنه صنعتی شدن را خنثی کرده است.

در کشورهای آسیایی که در مورد آنها داده‌هایی در دسترس است؛ سهم صنایع کارخانه‌ای در کل اشتغال از ۱۱ درصد در دهه ۱۹۶۰ به دو برابر آن در اواخر دهه ۱۹۷۰ افزایش یافته، و به حدود ۲۱ درصد رسیده است؛ در آمریکای لاتین، این سهم بین اوایل دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از ۱۷ درصد به ۱۵ درصد، و در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار از ۲۸ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۲۳ درصد در اوایل دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است. در کشورهای جنوب آفریقا که داده‌هایی در مورد آنها در دسترس است، سهم صنایع کارخانه‌ای در اشتغال مبتنی بر دستمزد از ۱۰ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۱۳ درصد در اوایل دهه

۱۹۸۰ افزایش یافته است. این سهم در کشورهای آسیایی در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در سطح ۲۱ درصد ثابت مانده است.

نسبتهای میان سهم صنایع کارخانه‌ای در تولید و اشتغال در مورد بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای با توجه به بهره‌وری در دیگر بخشهای اقتصاد تصویری به دست می‌دهند. در کشورهای آسیایی که در مورد آنها اطلاعات لازم در اختیار است، بهره‌وری در صنایع در دهه ۱۹۶۰ بیش از ۲۰ درصد بالاتر از میانگین بهره‌وری در کل بخشهای اقتصادی بوده است. اما این رقم بتدریج کاهش یافت و در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۱۰ درصد پایین‌تر از میانگین مزبور رسید، که خود این موضوع حاکی از آن است که تولید در صنایع کارخانه‌ای نسبتاً کاربرتر شده است. بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای در کشورهای آمریکای لاتین در اوایل دهه ۱۹۷۰ معادل ۴۵ درصد بالاتر از میانگین بهره‌وری در کل اقتصاد این کشورها بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۵۴ درصد رسید. در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار آزاد، بهره‌وری در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در حدود ۵ درصد زیر حد متوسط بود و در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۱۲ درصد بالای حد متوسط افزایش یافت.

در کشورهای آسیایی که اطلاعات در موردشان موجود است، کاهش اشتغال با توجه به ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای در دهه ۱۹۷۰ حدود ۰/۷ بود اما در اوایل دهه ۱۹۸۰ به حدود صفر کاهش یافت. در آمریکای لاتین، کاهش مزبور در دهه ۱۹۷۰ برابر با ۰/۲ تا ۰/۴ بود و به ۰/۷ در اوایل دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت. این افزایش احتمالاً ناشی از سهم بیشتر بخش غیررسمی صنایع کارخانه‌ای بوده است. در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار، رشد اقتصادی منجر به افزایش ناچیزی در درآمد شاغلان شده که این افزایش بیش از ۰/۲ تا ۰/۳ درصد از ۱ درصد رشد اقتصادی نبوده است.

در اوایل دهه ۱۹۸۰، رشد اقتصادی و سیاستگذاران تعدیل‌کننده تأثیری خاص بر اشتغال و درآمدهای صنایع کارخانه‌ای داشته است. چشمگیرترین تأثیر بر اشتغال، افزایش شمار کارگرانی بوده است که ناگزیر از جستجوی کار به عنوان کارکن مستقل بوده‌اند. این دگرگونی روند تنها محدود به بخش صنایع کارخانه‌ای نبوده است؛ در جنوب صحرای آفریقا و کشورهای آمریکای لاتین که از رکود جهانی شدیدترین تأثیر را پذیرفته‌اند، این دگرگونی از همه جا چشمگیرتر بوده است. اما تحول مزبور در برخی کشورهای آسیا و در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار نیز مشاهده شده است. رکود جهانی بر درآمدهای واقعی در صنایع کارخانه‌ای نیز تأثیری منفی داشته است. در کشورهای گوناگون جنوب صحرای آفریقا و آمریکای لاتین، درآمدهای واقعی در صنایع کارخانه‌ای در نخستین نیمه دهه ۱۹۸۰ معادل ۵۰ درصد کم شده است. درآمدهای واقعی در اکثر کشورهای آسیایی افزایش یافته، در حالی که تغییرات در درآمدهای واقعی در کشورهای صنعتی از ۱۵- تا ۲۰+ درصد در نوسان بوده است.

یادداشتها

۱. برای یک تحلیل جدید، نگاه کنید به:

H. Chenry, S. Robinson and M. Syrquin: Industrialization and growth: a comparative study (New York, Oxford University Press, 1986).

۲. در این مقاله، آمریکای لاتین، شامل کارائیب است.

۳. به عنوان مثال:

Vander Hoven: "External shocks and stabilisation policies: Spreading the load", in International Labour Review. 1987/2: and C.Palloux: "Industrialisation. désindustrialisation. et formes de mise au travail". in Revue Tiers-Monde(Paris). Apr-June 1987.

۴. چتری و دیگران، منبع یاد شده

5.W.van Ginneken: "Employment and labour incomes: A cross-country analysis", in W.van Ginneken(ed.): Trends in employment and labour incomes: Case studies on developing countries(Geneva, ILO, 1988).pp.1-31. See also C.Courlet and P.Judet: "Industrialisation et développement; la crise des paradigmes", in Revue Tiers-Monde, July-Sep. 1986.

۶. یکی از عواملی که ممکن است به کاهش سهم تولید و اشتغال در صنایع کارخانه‌ای کمک کرده باشد (در این مقاله تحلیل نخواهد شد) گرایش به واگذار کردن تدریجی برخی از فعالیتها، از قبیل بازارهای، مشاوره و پژوهش که در درون مؤسسات صنعتی انجام می‌گرفتند، به شرکتهای فعال در بخش خدمات در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ یا ۱۹۷۰ بوده است.

۷. به عنوان مثال، نگاه کنید به: منبع ردیف ۳.

۸. نگاه کنید به:

H.Chenery and M.Syrquin: Patterns of development, 1950-1970 (London. Oxford) University Press, 1975).

۹. از آنجا که رابطه میان ارزش افزوده و محصول ناخالص داخلی -رانه را منحنی - خطی می‌پندارند، دیگر خصوصیات را نیز می‌توان آزمایش کرد. خصوصیات گوناگون منحنی - خطی در واقع در منبع زیر توضیح داده شده است.

UNIDO: World industry since 1960: Progress and prospects (New York, 1979). Annex I: Industrial growth paths among countries.

فرمولبندیهای لگاریتمی دوتایی (double logarithmic formulation) از دیگر فرمولبندیها نارساتر نیست و در تحلیل‌های گوناگون یونیدو به کار بسته شده است.

10. ILO: World Labour Report, Vol.2(Geneva. 1985), in particular Ch. 13, "Women in the labour force". pp.203-213.

11. ILO:World Labour Report. Vol.3(Geneva, 1987): and van Ginneken, op.cit.

12. W.A.Lewis: "Economic development with unlimited supplies of labour". in Manchester School of Economic and Social studies (Manchester), May 1954.
13. C.Clark: The conditions of economic progress(London. Macmillan, 1940).
14. G.T.Harris and Z.B.Rashid: "The employment performance of developing countries during 1970s". in Developing Economies(Tokyo). Sep. 1986. See also van Ginneken. op.cit.
۱۵. کشورهای آسیایی یا مناطقی که داده‌های مربوط به آنها از بررسی‌های نیروی کار استخراج شده‌است، عبارتند از، هنگ‌کنگ، جمهوری کره، برمه (ماهایمار)، پاکستان، فیلیپین و سنگاپور. کشورهایی که داده‌های مربوط به آنها از بررسی‌های مربوط به موسسات و کارگاهها استخراج شده است، عبارتند فیجی، هندوستان و سریلانکا.
۱۶. ضرایب b، مقیاسی در مورد حساسیت و واکنش تغییرات اشتغال نسبت به تغییرات تولید به دست می‌دهد.
۱۷. برای بیشتر گروه‌بندی‌های کشورها، تأثیر اندازه جمعیت بر سهم دستمزد و مزایای کارکنان در دوره‌های مختلف یکسان می‌ماند که این موضوع نشان دهنده این است که با وجود تأثیرگذاری، اثر آن در طی زمان تغییر چشمگیری نمی‌کند.
18. ILO: Consumer price indices. Report II. Fourteenth International Conference of Labour Statisticians. Geneva, 28 October-6 November 1987(Geneva, 1987).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی